

سینمای مستند رومن کارمن

نویسنده: جک، انقلاب و حمله



نویسنده: کسانین اسلاوین

ترجمه و اقتباس: احمد ضابطی حرمی

سپتامبر ۱۹۸۱

سینمای مستند رومن کارمن

تصویر جنگ، انقلاب و حماسه

نوشته: کنستانتین اسلاوین

ترجمه و اقتباس: احمد ضابطی جهرمی



نام کتاب : سینمای مستند رومن گارمن
نویسنده : گنستانتین اسلاوین
مترجم : احمد ضابطی جهرمی
طراحی روی جلد : داریوش شریف آبادی
تیراژ : ۳۰۰۰ نسخه
حروفچینی : مؤسسه نوشته
لیتوگرافی : الوان
چاپ : کیهانک
ناشر : انتشارات عکس معاصر تلفن : ۸۳۱۶۴۷

فهرست

پیشگفتار مترجم

پیشگفتار نویسنده

۱- رومن گارمن : عکاس و فیلمبردار (۱۹۲۳-۱۹۲۳)
(گزارشات مصور - فیلم های خبری)

۲- " مسکو - قره قوم " (۱۹۳۳) ، " مسکو - پامیر " (۱۹۳۶)

۳- " انقلاب اسپانیا " ۳۷-۱۹۳۶
" گرانادا ، گرانادای من " (۱۹۶۷)

۴- " انقلاب چین " (۳۹-۱۹۳۸)
" در چین " (۱۹۴۱)

۵- حماسه سدوف (۱۹۴۰)
" مردان سدوف "

۶- " روزی از دنیای نو " (۱۹۴۰)

۷- "نبرد لنین‌گرا" (۱۹۴۲)
"جنگ کبیر میهنی" (۱۹۴۲-۶۵)

۸- "نفتگران دریای خزر" (۱۹۵۳)
"فاتحان دریا" (۱۹۵۹)

۹- "نبرد ویتنام" (۱۹۵۵)

۱۰- در هندوستان
"صبح هندوستان" (۱۹۵۵)

۱۱- انقلاب گویا "جزیره‌های درآتش" (۱۹۶۱)

۱۲- "برلین" (۱۹۶۸)

۱۳- جنبش انقلابی شیلی
"شیلی: عصر مبارزه - عصر هیجان" (۱۹۷۳)
"گاماراداس" (۱۹۷۴)

۱۴- "قلب گوروالان" ۱۹۷۵

۱۵- برگزیده‌های از نوشته‌های رومن گارمن

۱۶- دیدگاه‌هایی درباره رومن گارمن

۱۷- فیلم‌گرافی و کتابهای رومن گارمن

بیشگفتار مترجم

مقدمتا " بهمنظور داشتن شناختی کلی از رومن کارمن ، نویسنده و کتاب ، ذکر مطالب زیر خالی از فایده نیست :

۱- رومن کارمن (۱۹۷۸-۱۹۰۶) : متولد اودسا، وفات مسکو، معروفترین مستندساز و فیلمبردار خبری تاریخ سینمای شوروی پس از زیگاورتوف. این مستندساز برجسته، نه تنها در کشور ما، بلکه اصولاً در نوشته‌های مورخین غربی سینما کمتر مورد عنایت محققین قرار گرفته است!

روستیسلاو یورهنیف، تاریخ نویس و استاد تئوری فیلم در انستیتو عالی سینماتوگرافی مسکو، مدعی است که: "بی خبری محققان غربی سینمای مستند از آثار درخشان کارمن، صرفاً" دلایل ایدئولوژیک داشته والا از لحاظ کیفیت و بافت تصویر مستند وی هم پایه مستندسازان بزرگی چون فلاهرتی، گریرسون، بازیل رایت، پل روتا، یوریس ایونس، روتن، کاولکانتی، لورنتس و... می باشد. به اضافه این که هیچیک از نامبردگان، شجاعت و بی باکی رومن کارمن را نداشته اند... عمده ترین تفاوت دیگر آثار وی با بزرگان تاریخ سینمای مستند، در مضمون است...!" (برگزیده‌ای از سخنرانی یورهنیف، به مناسبت مرگ کارمن بر بالای تابوت وی - کاخ سینما سال ۱۹۷۸).

بقول خود کارمن: هر جا که نبردی، مبارزهای، پیشرفتی و انقلابی در حال وقوع بوده، کارمن نیز بادوربین اش حضور داشته است. اگر محقق گفته یورهنیف

را اغراق آمیز بداند، لیکن در این نمی تواند تردید نماید که کارمن تنها مستند سازی است که مهم ترین رویدادهای سرنوشت ساز جامعه بشری قرن بیستم - چه در سطح جهانی و چه موضعی - را بر نوار فیلم ضبط کرده است، حتی یوریس ایونس، مستند ساز برجسته هلندی و یا کریس مارکر (فرانسوی) نتوانسته اند آلبومی کامل از تحولات اجتماعی قرن حاضر تهیه نمایند. یوره نیف می افزاید: " دیگر مستند سازان یا عمر کارمن را نداشته اند و یا جسارت و دید او را".

کارمن پس از پذیرفته شدن در نخستین دوره فیلمبرداری و عکاسی مدرسه سینمایی مسکو (GIK) - نخستین مدرسه سینمایی دنیا که در سال ۱۹۲۱ تأسیس شد - بعنوان عکاس خبری مجله مشغول بکار شد. و سپس به استخدام استودیوی تهیه فیلم های خبری و مستند درآمد. از همکاری، مهارت فنی و ذوق تصویری ادوارد تیس (فیلمبردار نام آوری که تمامی آثار سرگئی آیزنشتین را - به استثنای نماهای داخلی " ایوان مخوف " - فیلمبرداری کرده)، در فیلم مستند " صحرای قره قوم " سود جست. سپس از جریان جنگ داخلی اسپانیا و بمباران مادرید فیلمبرداری کرد و با ساختن فیلم های مستند جورانهای چون: " اسپانیا " (۱۹۳۶-۷)، هم چنین فیلم های "لنین گراد"، " پایداری استالین گراد" و " شکست ارتش آلمان در لنین گراد"، " عقب نشینی قوای آلمان از حومه مسکو" بعنوان فیلمبردار جنگی شهرت زیادی بدست آورد.

از نماهایی که در اسپانیا گرفته بود، دو فیلم مستند تهیه نمود: " اسپانیا " (که توسط خانم استرشوب پیوندگر چیره دستی که فیلم های مستند گردآوری " سقوط خاندان رومانوف" و " روسیه نیکلای دوم و لئوتولستوی" را در اواخر صامت ساخته - تدوین شده است. (فردریک روسیف، مستند ساز معروف فرانسوی نیز در فیلم " مرگ در مادرید" از نماهای کارمن استفاده کرده است) - دومین فیلم اسپانیایی کارمن، " گرانادا، گرانادای من" نام دارد که شرح آن در این کتاب آمده است.

کارمن هنگام جنگ دوم جهانی در سخت ترین شرایط از جبهه شرقی فیلم گرفت در نبردهای شدید " ویستولا" و " کورسک" شرکت داشت و بعدها از نماهایی که از این نبردها و شکست ارتش آلمان در جبهه استالین گراد و لنین گراد گرفته

بود، فیلم بلند مستندی بنام " بادبود جنگ کبیر میهنی " را در سال (۱۹۶۵) تهیه نمود. در اوج جنگ، وی بعنوان سرپرست چهل و پنج فیلمبرداری که تصویربرد کسبرده را ضبط می‌کردند، فعالیت داشت و در همان حال در کنفرانسی که با شرکت فیلمسازان امریکائی و انگلیسی توسط " ووکس " (VOKS) (روابط خارجی فرهنگی شوروی) تشکیل شده بود، درباره وظیفه مستندسازان و تعهد انسانی آنان به جامعه جنگ زده بصری سخنرانی کرد و پیام الکساندر داورژنکو را خطاب به فیلمسازانی که کسورسان به نحوی درگیر جنگ با قوای آلمان نازی بودند فراتر نمود (کارمن در ابتدای جنگ مدت چهار ماه در نواحی قطبی به سر برد تا فیلم مستند تحقیقاتی - اکتشافی " سدوف " را فیلمبرداری کند) .

کارمن خود را بحسین فیلمبرداری می‌داند که هنگام تصرف برلین وارد این شهر شده و از سقوط " رایشناگ " فیلمبرداری نموده است. وی پس از اتمام جنگ فیلم مستندی بنام " فضاوت ملل " (۱۹۴۷) از جریان برگزاری محاکمه حسابکاران اصلی جنگ (دادگاه نورمبرگ) تهیه نمود.

زمانی که دوره صلح و آرامش فرا رسید، کارمن به نواحی گوناگون کشور خود و جهان مسافرت نمود و فیلم‌های " آلبانی "، " هندوستان "، " دریاهای صحرای "، " جنگران دریای خزر "، " شانزدهم سپتامبر " (۱۹۶۰)، " انقلاب کوبا "، " ویتنام "، " سیلی "، " کرهستان "، " ترکمنستان "، " قزاقستان "، " نواحی دریای خزر " و بسیاری آثار دیگر را درباره کار، زندگی، تمدن، مسرفت و مسافرت این ملل تهیه نمود.

خود کارمن معتقد است که دست کم نیم بینتری از فیلم‌های مستند جنگی شوروی بر اساس مصاویری که او هنگام جنگ گرفته، ساخته شده‌اند.

او در سال ۱۹۵۸ فیلم مستندی بنام " ماجراهای سینهرامای روسی " ساخت که یک گردآوری از فیلم‌هایی است که بین سال‌های ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۱ گرفته بود. (یک سال پس از آن، او فیلم مستند بلندی بنام " چقدر سرزمین من پهناور است " را با دیدی شاعرانه ساخته بود که بیشتر جنبه تفریحی و توریستی دارد، در این فیلم، کارمن از یک تکنیک ابتکاری شبیه به سینهراما و فیلمبرداری با سه دوربین متصل بهم استفاده کرده است). آخرین آثار مهم و ارزنده وی درباره

" هندوستان " ، " اسپانیا " (کراناد ، کرانادای من) و فیلم مستند دیگری بنام " مرگ یک کمیسر " (۶۸ - ۱۹۶۶) " شیلی عصر مبارزه " ، " قاره مشتعل " (امریکای لاسین) و " کوروالان " (۱۹۷۵) است .

کارمن از ۱۹۷۵ دیگر فیلمی ساخت و به نوشتن کتاب خاطرات ، داستان و سفرنامه ، هم چنین تدریس کارگردانی فیلم مستند در انستیتو عالی سینماتوگرافی ، ادامه داد تا اینکه در ۱۹۷۸ زندگی را به پایان رسانید . در ایران تنها یک فیلم کوتاه از رومن کارمن بنام " شکست ارتش آلمان در حومه مسکو " در مجموعه مستند تلویزیونی " دنیا در جنگ " در تلویزیون (تابستان ۱۳۵۹) نمایش داده شده است (آلن رنه ، فیلمساز برجسته فرانسوی ، در فیلم " شب و مه " ، صحنه‌هایی را از فیلمی که کارمن هنگام بازدید از اردوگاه‌های اسرای جنگی آلمان ضبط کرده بود ، استفاده کرده است - این فیلم خبری و گزارشی کارمن ، بعنوان اسناد جنایات متهمان دادگاه نورمبرگ ، در جریان برگزاری دادگاه به نمایش درآمد و بعنوان مدرک جرم سران نازی تلقی شد) .

۲- کتاب و نویسنده آن : کنستانتین اسلاوین یکی از همکاران نزدیک کارمن در استودیوی مرکزی فیلم‌های مستند که در آنجا تا زمان مرگ کارمن بعنوان نویسنده گفتار متن (narration) فعالیت داشته ، تخصص وی ، گفتار نویسی فیلم مستند است ، لیکن پانزده فیلمنامه داستانی ، هم چنین تعداد زیادی طرح مستند به نگارش در آورده که غالباً جلوی دوربین رفتند ، از جمله فیلم مستند : " زندگی یاتریس لومومبا " ساخته الکسی شپینوف ، و " علف‌های اینجا برنگ سرخ هستند " (درباره مبارزه مردم سیاهپوست افریقای جنوبی) ، ساخته یگاترینا ورمیشووا که هر دو در ایران به نمایش درآمدند . اسلاوین هم چنین متن گفتار بیشتر فیلم‌هایی کارمن پس از جنگ دوم ساخته ، نوشته است .

این کتاب ، چشم‌اندازی کلی از سینمای کارمن را ارائه می‌دهد که شامل تحلیل (نه چندان عمیق) برجسته‌ترین آثار وی از آغاز تا آخرین لحظات فعالیت فیلمسازی اوست . اساسی‌ترین کمبود کتاب این است که در آن توجه کمتری به جنبه‌های تکنیکی و سبک تصویری کارمن شده و بیشتر از لحاظ مضمون و محتوی آثار او مورد بررسی قرار گرفته‌اند و این شاید از آنجا ناشی شده که کتاب

وسط یک کفار نویس و فیلمنامه‌نویس — نه مورخ سینما و مفسر فیلم — به نگارش درآمده. به این امید که کتاب حاضر بتواند کمبود اطلاعاتی که بطور پراکنده و کدرا دربارهٔ کارمن در بیشتر کتاب‌هایی که در باب سینمای مسند (به زبان انگلیسی) در عرب به نگارش درآمده، برای علاقمندان به سینما، هم‌چنین دانشجویان رشتهٔ فیلم جبران نماید.

احمد ضابطی جهرمی

تابستان ۱۳۶۰ و ۱۳۶۲



کستانتین اسلاوین :

فیلمنامه‌نویس ، نویسندهٔ گفتار متن فیلم‌های
مستند و مؤلف کتاب

پیشگفتار نویسنده

" باید آنجا باشم " !

عبارت بالا ، شعار هنرمند افتخارآفرینی است که بیش از نیم قرن نامش بر
بردهٔ تاریخ سینمای مستند جهان می‌درخشد . هر نمایی از فیلم‌های او ، از آتش
نبردهای انقلابی گرما گرفته و نمایشگر عظمت زندگی مردم مبارز و انقلابیونی
است که در راه صلح و آزادی جانفشانی می‌کنند .

تصویری که این هنرمند از تاریخ معاصر جهان بدست می‌دهد ، بازتاب‌گر
بادهای سرکش و توفندهٔ عصری است که از طوفان‌های رعدآسای انقلاب چپانی
توید می‌دهد . دوربین بی‌باک کارمن که نخستین عشق و اسلحهٔ همسگی وی بد
شمار می‌رود ، شیپور آماده‌باش نبردهای انقلابی و فراخوانی است برای مبارزه در
راه ایجاد زندگی بهتر در روی زمین . رومن کارمن در خاطراتش می‌نویسد :

" هر جا که نبردی مردمی در حال وقوع است ، من هم باید آنجا باشم "
از این روی ، و برای عملی کردن این خواسته ، نیم قرن از عمر هفتادسالهٔ
وی در تلاش ، مبارزه و هیجان سپری شده است . هر جا که مبارزهای علیه فاشیسم ،

خشونت و بیداد پا گرفته، دوربین کارمن نیز آنجا بوده است. هر جا که اندوه ناشی از محرومیت و فقر، شادی برخاسته از پیروزی، هر جا که قیام، حرکت، اشک، سرود و طوفان بوده، این سینماگر نیز حضور داشته است: درکنار "گودوف" کارگر و "همینگوی" نویسنده، آنجا که "فیدل" (کاسترو) سرکش، دستهای "سیکهئیروس" ها و آوازهای "ویکتورخارا" آنجا که تراژدی "سالوادور آلنده" و شجاعت "کوروالان"، فقر و تهیدستی چین، سپیده دم هند و درام شیلی آنجا که کودکان مادریدی با اشعار "پابلونرودا" چشمانشان پر اشک می شود و خونشان در خیابانها (بهراحتی خون یک کودک) بر سنگفرش جاری می شود، رومن کارمن نیز آنجا حاضر بوده است.

کارمن می خواست فیلمی درباره چارلی چاپلین - هنگامی که این هنرمند بزرگ تاریخ سینما سرگرم ساختن فیلم است - تهیه کند. لیکن نه با عدسی هائی که روی یک دوربین "بی طرف" سوار می شود و فقط بازی را ضبط می کند بلکه با دیدی پر مایه و قلبی گرم چهره چاپلین را به تصویر کشد. کارمن در توضیح طرحش به سیدنی چاپلین (پسر بزرگ چارلی چاپلین)، چنین می نویسد:

"من با دوربینم سراسر جهان را زیر پا گذاشتم: در اسپانیا و چین جنگیده ام، در میادین جنگ جهانی دوم مبارزه کرده ام و در ویتنام نیز دوشا-دوش مردم آن دیار به نبرد برخاسته ام ...".

فقط با چنین دوربینی باید فیلمی درباره چاپلین ساخت. "زمان چه زود سپری می شود! مثل نماهای یک فیلم پرهیجان و پویا". این عبارت وقتی که "آنتون کولسکی" (شاعر) شعری در وصف کارمن می سرود به ذهنش رسید. این شاعر برجسته، در ابیات دیگری از فصیده خود ادامه می دهد:

"در این صورت، فاصله ها گاهش می یابند. و امروز که با شخم زمین را زیر و زبر می کنیم و پس از انجام کار به دیدار یکدیگر می شتابیم، پی می بریم که آفریده های بزرگ او (کارمن) به میزان زیادی بر دانش ما افزوده است".

هر هنرمند حساس و یا هر واقعه نگار اندیشمند، خود را در مواجهه با حقیقت می بیند، آن را می جوید، برای دستیابی بدان انتظار می کشد و چنانچه بخواهد با قلبی گرم و روئی گشاده از لحظات زندگی خلاقه خود سخن گوید،

ناچار آن را برای دیگران باز آفرینی می‌کند. لحظات رویارویی کارمن با حقیقت، یعنی زندگی او، که از نخستین روزهای کودکی‌اش آغاز شده، چنین است:

"..... تشییع جنازه پدرم را در آوریل ۱۹۲۵ به یاد می‌آورم. همه مردم زحمتکش بندر اودسا بدنبال جنازه او در حرکت بودند: باراندازها، سربازان و صدها نفر از اهالی شهر به خیابانها ریخته بودند."

پدر کارمن، چند روز پس از این که از زندان آزاد شد، چشم از جهان فرو بست. افراد گارد سفید که از عناصر ضد انقلابی تشکیل شده بودند، ل. کارمن - نویسنده سرشناس مردمی و روزنامه‌نگار صادق و شجاع را بارها در زندان شکنجه کردند. به همین سبب، رومن در سیزده سالگی تنها نان‌آور خانه بود. او روزنامه می‌فروخت. بعنوان پادو در گاراژ کار می‌کرد و پس از چندی وارد مدرسه حرفه و فن شد. چند سال بعد، با خانواده‌اش عازم مسکو گشت و در دبیرستان کارگران به فراگیری دانش پرداخت.

اگر پدرش (لازار کارمن) یک "جعبه" کوچک که یک دوربین عکاسی آماتوری کداک بود به فرزند خود (رومن) نمی‌داد در این صورت، پیش‌بینی اینکه این نوجوان در آینده چه کاره خواهد شد، بسیار مشکل می‌شد. پدرش نیز نمیدانست که این "جعبه"، راه زندگی آینده پسر ارشدش را تعیین خواهد کرد. از همان لحظه، عکاسی برای این دانشجوی جوان به صورت یک مشغله ذهنی درآمد. رومن ناگهان بر آن شد که عکس‌هایش را برای مجله "اگونیوک" بفرستد و سرانجام، در اکتبر ۱۹۲۳، این مجله به چاپ نخستین عکسی که رومن کارمن گرفته بود، اقدام کرد. رفته رفته، نظر ولادیمیر مایاکوفسکی و میخائیل کولتسوف، به عکس‌های او جلب شد. کارمن هفده ساله، در چند نمایشگاه عکس، دیپلم و چند جایزه دریافت کرد. هم‌چنین در این تاریخ، نخستین مقالات و گزارشات مصور او منتشر شد.

امروزه در آرشیو کارمن دیپلمی وجود دارد که در نمایشگاه "ده سال عکاسی شوروی" به "خاطر تصاویر پویا و ترکیب‌های تصویری عالی، هم‌چنین خلاقیت چشمگیر تکنیکی" به او اعطا شده است. گزارشات مصور این واقعه نگار جوان به عنوان حد اعلای پیشرفت در هنر عکاسی شناخته شده. این تصاویر، حاوی

لحظات پر تحرک و نیرومند زندگی بودند که از زوایای عجیب و با دید اجتماعی خاصی برداشته شده بود. کارمن می‌گوید :

" من در سراسر زندگی هنری خود ، هرگز از تلاش برای یافتن فرم‌های نوین بصری دست برنداشتم " .

به زودی کارمن به عنوان اسناد عکاسی پرتره شناخته شد. تصاویری که او از چهره آدمها بر می‌داشت، زنده، مؤثر و عمیق بودند و در عین حال جنبه‌های ویژه روانی و اجتماعی شخصیت‌ها در آن منعکس بود. مهارت کارمن در عکاسی، باعث شد که فیلم‌های گزارشی و مستند وی در سال‌های بعد، از تصویر هنری پرکشش و درخشان آکنده شود. به همین خاطر، نماهای نزدیک در فیلم‌های وی چهره‌ها، چشم‌ها، لبخندها و اشک‌هایی را نشان می‌دهند که از شور زندگی حکایت می‌کنند.

" گزارش مستند " یا " واقعهء مصور "، در زندگی و در عرصهء هنر، سبک بزرگ کارمن بود. این گزارشگر در آغاز شهرتش، نسبت به همکاران خود و فیلمبردارانی که در " حال ضبط لحظات مهم و تکرار نانشدنی " بودند، رشک می‌برد. از این‌روی، تصویر " پدیده‌های نو "، مضمون اصلی هنر کارمن را تشکیل می‌دهند. این مضامین بطور خلاصه عبارتند از: امکانات ناشناخته و نامکشوف، طرح‌های پرهیجان و پویا، ترکیب‌های تصویری عمیق و نیرومند، دستاوردهای هنری جالب و مردمی.

کارمن پس از ورود به انستیتوی فیلم نوشت :

" نامنویسی در انستیتو، تصمیم عاقلانه و درستی بود. زیرا استادان طراز اول فیلمبرداری و آموزگاران که در آن سال‌ها فن فیلمسازی (و به‌ویژه هنرهای زیبا) را در انستیتو تدریس می‌کردند، چیزهای زیادی را به من آموختند " .

کارمن در دوران دانشجویی، نخستین فیلم مستند خود را با نام " آشپزخانه - کارخانه " ساخت. آنگاه روی طرح جالب و هیجان‌انگیز " دوردست در آسیا " - بعنوان فیلمبردار دوم - کار کرد. این فیلم را مستندساز برجسته، ولادیمیر یروفوویچ کارگردانی می‌کرد و نخستین فیلمی بود که صدای آن بطور همزمان

(SYNC) در سر صحنه برداشته می‌شد. کارمن پی برد که در این اختراع نوین (فیلم ناطق) امکانات هنری و خلاقه زیادی نهفته است. وی در این پژوهش، تجربه‌های زیادی را در زمینه صدای فیلم اندوخت.

درس دیگری که کارمن از فیلم گزارشی - سیاسی بعدی یروفوویچ، " بسوی بندرشاد"، آموخت برای او در زمینه تهیه فیلم‌های خبری - سیاسی بسیار سودمند واقع شد. (در حال حاضر، کارمن خودش استاد انستیتوی فیلم است که از آنجا چندین نسل از فیلمسازان فارغ‌التحصیل شده‌اند و هریک بطور مستقل به فیلمسازی پرداخته‌اند). لیکن هنوز هم هرگاه کارمن بخواهد درس مستندسازی و ساختارهای بصری آن را به دانشجویان این رشته ندریس کند، کار خود را با نمایش فیلم " بسوی بندر شاد" آغاز می‌نماید.

در سال ۱۹۳۳، فیلمی از رومن کارمن که از حماسه ساختن کارخانه ذوب فلز " کوسوگورسک" تهیه شده است، به نمایش درآمد. هنگام تهیه این فیلم، کارمن شبها را با سازندگان کارخانه سپری می‌کرد و روزها را نیز همپای آنها به کار می‌پرداخت. این فیلمبردار جوان باهیجان و مهارت، رویدادهای تکاندهنده و هراس‌آور را تصویر کرد و توانست به ژرفای عواطف و تار و پود احساسات آدمها دست یابد. کارمن در این فیلم خود، در وصف فرایندهای عاطفی پیچیده انسانها و تلاش آنها برای رسیدن به هدف، موفقیت زیادی بدست آورد. او پیش از فیلمبرداری، در دفترچه یادداشتش چنین نوشت:

" امشب را با انتظار سر خواهم کرد و تا صبح بیدار خواهم ماند. فردا روز با شکوه گشایش کارخانه فرا می‌رسد با فیلمبرداری در شب، به پیشواز روزی خواهم رفت که هرگز تکرار نخواهد شد."

و این شاید نخستین باری بود که کارمن شعار " باید آنجا باشم" را برای خود مطرح می‌کرد. لیکن از پی این شب، ماهها و سال‌های زیادی برای کار در اسپانیا، در چین، در ویتنام، در کوبا و در امریکای لاتین فرا رسید. پس از کوبای انقلاب زده، ویتنام در حال نبرد و امریکای لاتین بحرانی، دوره دیگری از زندگی‌اش را با کاشفان، جستجوگران و پیشتازان راههای نو در مناطق قطبی و در آسیا، زندگی‌های نو ("غول")، شیوهای نوین کار و تلاش (" ایوان

گودوف") و کارگران مناطق نفتی (" نفتگران دریای خزر) گذراند .
 کارمن ساعت‌ها ، و ماه‌ها سوار بر امواج طوفانی دریای خزر ، در میان
 آتش و حماسه و در کنار آنهایی که با زحمت و کار طاقت‌فرسا و به طرزی باور
 نکردنی ، شهری را روی سکوها و اسکله‌های دریا بنا می‌کردند ، سپری کرد .
 کارمن برای نخستین بار در جبهه جنگ داخلی اسپانیا ، جنگی خونین
 و آکنده از جان‌گذشتگی ، شرکت کرد . در آنجا نوشت :
 " پیش از هر چیز ، باید مسئولیت و اهمیت هر نما و هرگامی را که بر
 میدارم برای خود و دیگران روشن کنم " .

کارمن سی ساله ، برای نخستین بار در اسپانیا با فاشیسم روبرو شد .
 لیکن این فاشیسم ، مثل فیلم‌های خبری " گوبلز " نبود که پیایی نعره سر دهد
 یا انسان را مرعوب سازد ، بلکه در کمال خونسردی انسانها را به قتل می‌رساند .
 کارمن می‌نویسد : " مادری که نعش کودک به خون خفته‌اش را روی دست می‌برد ،
 بدون شک ، از فیلمبرداری که یک دوربین پر سر و صدا را به سویس نشانه‌رفته ،
 نفرت دارد " .

هنوز پس از گذشت چهل سال که از ساخته شدن این فیلم اسپانیائی کارمن
 می‌گذرد ، صدای او که بعنوان گوینده در فیلم شنیده می‌شود ، در گوش تماشاگران
 سال ۱۹۳۷ طنین انداز است :

" ما علیرغم خشونت و بیرحمی سربازان هم‌چنان پایداری می‌کنیم . برای
 نشان دادن این سنگدلی و خون‌آشامی ، دوباره و دوباره این نما را مرور می‌کنیم .
 با وجود این ، آگاهیم که همه چیز را باید برای نجات تاریخ ، روی نوار فیلم
 ضبط کرد و اجازه نداد که اندوه و اشک ، مانع از این کار شود . اما این دو ، گاهی
 بر ما چیره می‌شوند و کار را با درنگ روبرو می‌نمایند . بسیار مشکل است که
 بتوانیم از غصه و اندوه خود تصویری تهیه کنیم . لیکن ماتم و اشک ، آنچنانکه
 در نماهای بعد خواهید دید ، همه جا را فرا گرفته است " .

موضع اخلاقی بالا که حاکی از احساس مسئولیت سنگین این انسان هنرمند
 نسبت به تاریخ است ، ارزش غیر متعارف آثار او و وزن و اعتبار هنرش را نشان
 می‌دهد . کارمن ، اعتلای هنری خود را مدیون دید انسانی و تعهدش نسبت به

تاریخ است. لیکن این آثار، فقط برای ارائه " چند لحظه تماشائی " یا بعنوان " اخبار داغ " آفریده نشده‌اند، بلکه مضمون آن به همه نسل‌ها - بویژه نسل‌های آینده - تعلق دارد.

از این روی، برداشت‌ها و " خاطرات سینمائی " کارمن از اسپانیا که در فیلم " گرانادا، گرانادای من " جلوه‌گر شده و دیگر آثاری که راجع به ویتنام، کوبا، امریکای لاتین و جنگ جهانی ساخته، بیانگر عشق آتشین و تعهد عمیق وی به سرنوشت انسان است:

" در همان حال که با دوستانم در خیابانهای سانتیاگو و لیما قدم می‌زدم، موقتا " به یاد رویدادهائی افتادم که در یک دهه پیش، در همین نقطه بحران زده زمین، شاهد آن بودم و آن را با وضعیت کنونی در ذهن خود مقایسه کردم ".

اروین لیزر، کارگردان معروف سوئدی در تبریکی که به مناسبت برگزاری جشن " شصت سال زندگی خلاقه " برای رومن کارمن ارسال داشته، خطاب به وی، چنین گفته است:

" بی شک، نو غول بزرگ و استاد بی‌منازعه مستندسازی در عصر ما هستی، تو آثاری فراموش نشدنی درباره مبارزه علیه فاشیسم و زندگی پر حرارت انسان معاصر آفریده‌ای ".

هنگامی که کارمن همراه با سربازان هموطن خود وارد برلین شد و به گرفتن آخرین نماهای فیلمش درباره نبرد بزرگ علیه فاشیسم پرداخت، نمی‌توانست از اندیشیدن درباره لحظاتی که طی آن سرنوشت ملت آلمان در حال دگرگونی بود، غافل باشد. او نماهائی از کودکان گرسنه و بی‌کس برداشت که از پناهگاههای خود بیرون می‌آمدند و به سوی اردوگاه سربازان ارتش متفقین می‌دویدند. سربازان نیز با غذا و دارو از آنها استقبال می‌کردند. این لحظات، سرآغاز دوران جدیدی در تاریخ آلمان بود.

بعدها کارمن در فیلم " برلین "، صحنه‌های ارپایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان و مردم آن را که در صلح و آرامش سرگرم کار و تولیدند به نماهائی از گذشته این شهر در دوران جنگ و پیش از آن پیوند زد. هم چنین نماهائی از سقوط

پایتخت رایش سوم به ناهائی از یک فیلم قدیمی که ولادیمیر یروفویچ در سال ۱۹۲۹ ساخته بود، برش کرده است.

فیلم‌هایی که کارمن دربارهٔ امریکای لاتین ساخته، آکنده از شور و هیجان انقلابی مردم این قاره است. فهرمانانی که در این فیلم‌ها مقابل دوربین کارمن ظاهر شده‌اند، شخصیت‌های تاریخی امریکای لاسین هستند. در سراسر جهان، میلیون‌ها نفر به نمایش: "شلی عصر مبارزه، عصر اضطراب"، "دوستان" و "کوروالان" نشستند و تصویر نیروی پایان‌ناپذیر انقلاب را بر پرده مشاهده نمودند.

گذشته از فیلم، کارمن ۹ کتاب نوسه و تعداد بی‌شماری مقاله از او در مجلات میهنش و خارج از آن به چاپ رسیده است. (جدیدترین کتاب او "هتل فلوریدا" نام دارد). کارمن می‌نویسد: "سالهاست که من یاد اسپانیای عزیز را در قلب خود نگه داشتم. من با هر سنگ و با هر زاویه میدان‌های مادرید آشنا هستم. با سنگفرش‌های قدیمی خیابان "تولدو" و "والنسیا"، با نارنجستانها و باغ‌های زیتون "لوانت"، "آیدا لوسیا"، "کاتولونیا" و... حال پس از گذشت چهل سال آرزو دارم که دوربین بدست بار دیگر در اسپانیا باشم. این بدای قلب من است و برایم حیاتی است".

اکنون، مثل همیشه، رومن کارمن باز حاضر است که امضایش را زیر این عبارت بگذارد:

"هر جا که نبردی انقلابی در جریان است، مرا بفرستید، من باید آنجا باشم".

کنستانین اسلاوین



رومن کارمن : مستند ساز

۱- رومن کارمن: عکاس و فیلمبردار (۱۹۳۲-۱۹۲۳)

(گزارشات مصور - فیلم های خبری)

نخستین عکسها و نماهای کارمن در مجله " اگونیوک " به چاپ رسید . کارمن از مراسم زیر اخبار مصور برای این نشریه تهیه نمود :
ورود واسیلی کولاروف (انقلابی بزرگ بلغارستان) به مسکو ، شمع جنازه رهبر انقلاب روسیه ، بازگشت ماکسیم گورکی به وطن ، تصاویر گرافیک که بطور پنهانی از آلکسی تولستوی ، میخائیل پریشویین و لنین برداشته بود .

این عکسها ، نوید تولد یک هنرمند را می داد - خبرنگار ، گزارشگر و واقعنگاری که با دقتی کم نظیر و شیوه ای تحسین انگیز در خلاقیت هنری کار خود را آغاز می کرد . کارمن سال ها بعد نوشت :

" این یک قانون است : یک گزارشگر ، یک فیلمبردار یا عکاس خبری ، نمی تواند در گذشته زندگی کند . او باید به سیر تکامل و فرآیندهای معاصر بنگرد و تمامی اندیشه اش به سوی آینده معطوف باشد " .

اپیزودهایی از نخستین فیلم مستقل خبری کارمن ، آکنده از جنبه های بصری نیرومند است : " افتتاح کارخانه گوسوکورک " ، " ایوان گودوف " ، " روبینسون سیاه پوست ، نماینده شورای شهر مسکو " ، " گزارش آناماسوا " و " در خانه " . این آثار ، نشانگر موانعی است که در آن سال ها بر سر راه شهروندان جمهوری جوان شوروی قرار داشت و در حقیقت ، دربردارنده مسایل روز آن زمان بود .

۲- "مسکو- قره قوم" (۱۹۳۳)، "مسکو- پامیر" (۱۹۳۶)

فیلم‌هایی با مضامین یکسان: سال ۱۹۳۳. کشور به سوی صنعتی شدن پیش می‌رود. رویداد مهم این سال، تولیدات کارخانه ماشین‌سازی گورکی است که اتوموبیل و کامیون تولید می‌کند. این فرآورده‌های صنعتی، باید در شرایط دشوار و نامساعد، درجاده‌های گوناگون، آزمایش شوند. انسانها نیز باید آزمون خود را در این مسابقه حماسی پس دهند. از این‌روی، کارمن جوان، چشم دوربین خود را متوجه آدم‌هایی می‌کند که هسنه مرکزی این رویدادند. آنچه که در این میان برای فیلمساز اهمیت داشت، کار آدم‌ها و اندیشه‌هایشان بود. خود کارمن نیز با تمامی وجود در همه مراحل این رویداد شرکت داشت. فیلمبرداری و حفاری می‌کرد، ماشین‌ها را هل می‌داد و ... فیلم می‌گرفت. و شب هنگام، زمانی که دیگران از فرط خستگی در خواب مرگ آسانی فرو رفته بودند، این فیلمبردار خستگی‌ناپذیر، سرگرم مرتب کردن دوربین و تجهیز آن بود و در عین حال، از وقایع روزانه یادداشت بر می‌داشت.

برای نخستین بار بود که مستندساز جوان، الفبای کارگردانی را می‌آموخت: "فیلمساز باید به هر نمای فیلم خود بیان‌دیشد و آن را در تلفیق با دیگر نماها بمیند و جای درست آن را در فیلم تعیین نماید. درک فضا و رنگ پردازی نیز امری است ضروری. از اینها گذشته به عوامل ایجاد تحرک و پویایی نیز باید توجه داشت."

این نخستین فیلمی بود که کارمن در شرایط بسیار سخت و طاقت‌فرسا می‌ساخت. چند سال بعد، او دوباره به قره‌قوم بازگشت. برای بار دیگر، هم باید پشت فرمان کامیون می‌نشست و هم پشت دوربین می‌ایستاد و در دل گردبادهای شن به فیلمبرداری می‌پرداخت.

۳- "انقلاب اسپانیا" (۳۷-۱۹۳۶)

"گرانادا. گرانادای من" (۱۹۶۷)

گزارشی از رویدادهای اسپانیا: اهالی مسکو در میدان اصلی شهر گرد آمده‌اند و بسیج داوطلبان برای اعزام به جبهه، نبرد، به پایان رسیده است. نواهرانی مبنی بر پشتیبانی از مردم اسپانیا که مبارزه خود را برای دستیابی به آزادی آغاز کرده‌اند، در محلات بزرگ شهر جریان دارد. کارمن نبر به رفتن می‌اندیشد: "باید آنجا باشم".

حال، او در اسپانیاست: یازده ماه بیایی، بی‌خوابی، خستگی و کار طاقت‌فرسا در شرایط بسیار دشوار. نبردها، خون، مرگ، سوگ و اندوه مادرها بر نوار فیلم ضبط شده‌اند. گذشته از فیلمبرداری، کارمن برای روزنامه‌های وطن خود باید خبر تهیه می‌کرد و گزارشی مبنی بر فاجعه‌ای که مردم اسپانیا با آن روبرو هستند به میهنش می‌فرستاد.

وظیفه کارمن این بود که چهره مردم مبارز، مهربان و خون‌گرم اسپانیا و همه مبارزانی که برای آزادی این سرزمین از نقاط گوناگون جهان دور هم گرد آمده بودند تا اسپانیا را از سیطره فاشیسم نجات دهند، تصویر کند. کارمن در اسپانیا، در کنار نویسنده مشهور مجارستانی ماتزالکا، ژنرال لوکاج، ارنست همینگوی نویسنده آمریکائی، لودویگ رن آلمانی، میخائیل کولتسوف (نخستین ویرایشگر نوشته‌های کارمن)، رالف فوکس انگلیسی، دولورس ایباروری (معروف به ژاندارک اسپانیا) علیه فاشیسم مبارزه می‌کرد. ایلیا ارنبرگ می‌نویسد:

"ریما کارمن با دوربینش به هر جا سر می‌زد و از بمبارانها فیلم می‌گرفت. ما در پاریس تصمیم گرفتیم که از فیلم‌های خبری او قسمت‌هایی را برگزینیم و آنها را سرهم کنیم تا فیلم دیگری درباره انقلاب اسپانیا بسازیم".

استر شوب* برگزیده‌ای از فیلم‌هایی که رومن کارمن و ماکاسیف فیلمبرداری کرده بودند، پیوند کرد که نتیجه آن فیلم پرهیجان و تحسین‌انگیز "اسپانیا" (۱۹۳۹) بود و بعدها بسیاری از مستندسازان جهان از تصویرهایی که کارمن از نبرد اسپانیا گرفته بود، در فیلم‌های خود استفاده کردند از جمله، "فیلم مرگ در مادرید"، ساخته فردریک روسسیف.



اسپانیا، ۱۹۳۶: از چپ، رومن کارمن، ارنست همینگوی، یوریس ایونس

کارمن در سال ۱۹۶۷ برای بار دیگر به اسپانیا رفت و با همکاری کنستانتین سیمونوف، فیلم زیبا و درخشان "گرانادا، گرانادای من" را ساخت. هنگامی که از کارمن به عنوان شخصیت برجسته‌ای که به میزان چشمگیری به اعتلای فیلم مستند و خبری کمک کرده و به اعتبار و اهمیت آن افزوده یاد می‌شود، بیشتر

* خام استر شوب یا اسفیر شوب (۱۸۹۴ - ۱۹۵۹)، نخستین کارگردان زن در سینمای شوروی که در تدوین فیلم‌های خبری و مستند پس از انقلاب روسیه سهم عظیمی داشت. پاره‌ای از آثار معروف او عبارتند از: "سقوط خاندان رومانوف" (۱۹۲۷)، "جاده بزرگ" (۱۹۲۷)، "روسیه نیکولای دوم و لئونولستوی" (۱۹۲۸) - مترجم.



نمایی از فیلم مستند "اسپانیا" (۱۹۳۹) اثر رومن کارمن.

بخاطر صحنه‌های جالبی است که وی از جبههٔ نبرد اسپانیا برداشته است. این فیلم، به صورت یک نمونهٔ عبرت‌انگیز و الگوئی اخلاقی برای یک نسل ضد فاشیست درآمد. مارک گالائی می‌نویسد:

"به لطف تصاویر فیلمسازان شجاع و طراز اولی چون کارمن و بوریس ماکاسیف ما توانستیم آنچه که در اسپانیا روی داده، دوباره مشاهده نمائیم. من واقعا "نمی‌توانم فیلمی را نام ببرم که از نظر استقبال مردم با این فیلم بتواند برابری کند".

حال، صحنه‌هایی از فیلم را مرور می‌کنیم: صدای گوشخراش آژیر خطر

هوایی شنیده می‌شود، چند لحظه بعد، فاشیست‌ها بمب‌های خود را فرومی‌ریزند. خیابان زیر و رو می‌شود، کودکان تکمپاره می‌شوند و ... در آن گوشه ... یک فیلمبردار سرگرم فیلمبرداری است. چهره معدنچیان، دهقانان و دیگر کارگرانی که از مادرید دفاع می‌کنند، یک پسر بچه با تفنگ، یک مادر با سبد گل و شمشیر و ... یک پیرمرد که رنگهای انقلابی به لباس خود زده است. چقدر نمایش اجساد سربازان، پنجره‌های سوخته و آوارهای ساختمانها غم‌انگیز و دردناک است. کارمن و سیموف، سی سال بعد، در "گرانادا، گرانادای من"، چنین گفتند:

" اینجا، در اسپانیا قهرمانانی از سراسر جهان در ریز خاک خفتانند. خلبانها، خدمه‌های تانک، نظامیان داوطلب و دیگر قهرمانهای ضد فاشیست برای پیروزی انقلاب مردم اسپانیا و آزادی آنها جان خود را فدا کردند.

۴- "انقلاب چین" (۱۹۳۸-۳۹) "در چین" (۱۹۴۱)

کارمن در ماه می ۱۹۳۹ در کوههای "یانگ"، تصویرهایی از مائوتسه-تونگ برداشت. دوربین او مثل همیشه متوجه مردمی بود که در صف اول جبهه مبارزه می‌کردند: زیر آتش بمب‌های ژاپنی و در میان هزاران پناهنده‌ای که مردانه در برابر امپریالیست‌های ژاپن ایستاده بودند. کارمن برای بار دیگر از جبههٔ نبرد انقلابی فیلم می‌گرفت. زیر بارانهای تومی که به "باران زرد" معروف است، دهقانان و زنان چینی و مهم‌تر از آن، نبرد در جبهه.

کارمن دریادداشت‌های شاعرانه و فیلسوفانه‌اش می‌نویسد:

"..... سکوت مرکبار و دهشتناکی آدمها را بصورت اشباح یخ زده و بیجان در آورده است. آنها در سکوتی مطلق و ابدی، به صدای نزدیک شدن هواپیماهای بمب افکن گوش می‌دهند. بیست و هفت بمب افکن بر فراز شهر پرواز می‌کنند.... باید دلی پر طاقت و روحیای آهنین داشت. چهرهٔ کودکان، دردناک و پررنج است. گروهی از آنها در حیاط خانه‌ای گردآمده‌اند. همهٔ این دوستان کوچولوی من، کت‌های آبی‌رنگ و هم‌شکل به‌تن دارند. در این نزدیکی‌ها، جان‌پناهی دیده نمی‌شود، مخفیگاهی نیست تا بتوان این کودکان را پنهان کرد."

کارمن، همهٔ این لحظات را در فیلم تصویر کرده است، او در این دقایق بحرانی و آکنده از ترس و وحشت، قبل از هر چیز به کودکان می‌اندیشد. این دومین فیلم جنگی کارمن است. تصویر پردازی و فضا سازی کارمن آنچنان مؤثر

و عمیق است که علیرغم همه سختی‌ها و مصائبی که گریبانگیر مردم چین است ،
تماشاگر می‌تواند احساس کند که در این نبرد ، سرانجام ، پیروزی نصیب مردم
مبارز چین خواهد شد .



رومن گارمن از مائوتسه تونگ در ینان فیلم می‌گیرد (۱۹۳۹-۴۱)

۵- حماسه سدوف (۱۹۴۰)

"مردان سدوف"

کشور بطور یکپارچه سفر حماسی و قهرمانی کشنی قطب پیمای "س.س.س. سدوف" را مشتاقانه دنبال می‌کند. کارمن که چندی است از جبهه نبرد چین بازگشته، بانفاق ناخدا مولوکوف و خدمه کشتی، عازم شمال شده است. آنها در جستجوی "لوانسکی" هستند که مدتی است در جریان پروازش بر فراز قطب شمال، ناپدید شده و اثری از این خلبان در دست نیست.

اینجا، کارمن یک مرد قطبی است، یک قطب نورد. آنها لوانسکی را نیافتند. در عوض، کارمن توانست عملیات نجات "سدوف" را فیلمبرداری کند و سکوت رعب‌آوری که بر صحرای یخ‌زده آنجا حاکم است، شرایط طاقت‌فرسای کار و شجاعت آدمها را تصویر نماید. وی بدون ترس و هراس، در این عملیات برماجرا شرکت کرد. قسمت مهم این سفر حماسی و ماجراجویانه، نزدیک شدن کشنی یخ‌شکن به سدوف بود که بسیار پرهیجان و ترس‌آور تصویر شده است.

دستهای پرحرارت، قلب گرم، دوستی صمیمانه، کوههای یخ قطب و بیابانهای برفی، از محبت، صفا و صمیمیت این مردان سخت‌کوش رنگ گرفتند. بویژه برداشت خلاقه کارمن از این فضا، تماشاگر را بیاد فیلم‌های "نفتگران دریای خزر" و "فاتحان دریا" می‌اندازد.

لیکن فیلمبرداری "مردان سدوف"، ویژگی‌های خاص خودش را دارد که در هیچ جای دیگر نمی‌توان نظیر آن را یافت: کارمن، از شب قطبی فیلمبرداری کرد. او به اهمیت و ارزش ضبط این لحظات بر نوار فیلم، به خوبی آگاه بود.

وقتی که در جزیره " رودولف " و خلیج " تیخانا " مشغول فیلمبرداری بود ، ناگزیر شد که دوربین خود را در چمدان سفر بگذارد ، زیرا فیلمبرداری در شب قطبی غیر ممکن بود . از این گذشته وی مسئله نورپردازی را چگونه باید حل می کرد ؟ البته کارمن می توانست از امکانات نوری و تجهیزات روشنایی یخ شکن عظیم استفاده کند ، لیکن حقیقتاً زمانی که مردان نجات ، یخ شکن را متوقف می کردند و هیجان آورترین لحظه ماجرا فرا می رسید ، او باید چه کار می کرد ؟ ناگهان فکری به خاطر کارمن رسید :

وی به یاد هواپیمائی افناد که بدون استفاده از نورافکن ، از راکت های آتشزا استفاده می کند . کارمن نزدیک به دویست راکت منور و مشعل سنگین بر گزید و بدین ترتیب ، مسئله فیلمبرداری در شب قطب حل شد . او برای نخستین بار صداهای محیط ، مکالمات رادیو - تلفنی را سر صحنه ضبط کرد و به صدای بازسازی شده فیلم افزود . بدین ترتیب ، کارمن توانست به فضای عاطفی و دراماتیک این سفر حماسی ، وسعت بیشتری دهد . " حماسه سدوف " ، نمونه کم نظیری از خلاقیت در یک فرم گزارشی - سینمایی است و در میان فیلم های علمی از اعتبار ویژه برخوردار است .

۶- روزی از دنیای نو (۱۹۴۰)

این فیلم، به یاد ماکسیم گورکی ساخته شده است. گورکی در نظر داشت کتابی بنام "روزی از دنیای نو" تألیف کند و به مستندسازان شوروی اندیشه‌ای برای نشان دادن زندگی در کشورشان ارائه نماید، تا روزی فیلمسازان هنرمند، رویدادهای روزمره، زندگی آرام و آمیخته با صلح و آرامش مردم زحمتکش، نیروی دستهای صنعتگر و خلاق، زیبایی دستاوردهای انسانی آنها را تصویر کنند.

بدین ترتیب، روز ۱۴ اگوست سال ۱۹۴۰ بعنوان "روز فیلم" برگزیده شد. ۹۷ فیلمبردار به دوربین مجهز گشتند و عازم مزارع، معادن، کارخانه‌ها، کشتزارها و دیگر تأسیسات صنعتی و کشاورزی میهن پهناور خود شدند - از جنوب تا شمال، از مرزهای شرقی تا غربی که تا چندی دیگر آتش جنگ جهانی دوم، این گستره عظیم را شعله‌ور می‌کرد.

روند حوادث فیلم از طلوع خورشید آغاز می‌شود و سرانجام، رویدادهای گوناگون در غروب پایان می‌پذیرد. در حقیقت، تماشاگر فیلم حالت مسافری را دارد که با حرکت خورشید، نواحی مختلف کشور را زیر پا می‌گذارد. اما آنچه که برای این مستندسازان اهمیت بیشتری داشت نمایش نمونه‌ها و حقایقی بود که با غروری انسانی، اراده مردمی را که همه نیرو و توانائیشان را در خدمت ساختن دنیایی نو درآورده بودند، مجسم می‌کرد. لیکن چه کسی می‌توانست گمان برد که این آخرین گزارشات مصور از زندگی آرام و صلح‌آمیز مردم شوروی است، آرامشی که تا چندی دیگر، طوفان جنگ آن را خواهد بلعید.

"روزی از دنیای نو"، پیش درآمد یک سلسله فیلم‌های گزارشی شاعرانه بود که بدنبال آن فیلم‌های "یک روز از جنگ"، "یک روز کشور پیروز" و "یک روز از زندگی ما"، (فیلم اخیر نخستین اثر کارمن پس از اتمام جنگ است) به نمایش درآمد.

۷- "نبرد لنین گراد" (۱۹۴۲)

"جنگ کیرمینی" (۱۹۴۲-۶۵)

گارمن در سی و دومین سالگرد پیروزی بر فاشیسم چنین نوشت :
" در میان شرکت کنندگانی که در جبههٔ نبرد غرور و افتخار آفریدند ،
همکاران من فیلمبرداران جنگی هستند . این سربازان ، به سلاح دوربین مسلح
بودند ."



موانع ضد تانک : نمائی از فیلم مستند "نبرد استالین گراد" اثر گارمن .

کارمن خود یکی از شجاع‌ترین و بی‌باک‌ترین فیلمبرداران جنگی بود که با جسارت در خط جبهه عمل می‌کرد. او در دشتهای پر برف پیرامون مسکو، در کرانه‌های یخ زده لتین‌گراد که زمستانی مرگ‌آور دارد، در جبهه غرب و اوکراین در "ویازما" و "یاسی"، در "ویستولا" و "اودر"، در میان خرابه‌های برلین و در میدان مقابل "رایش‌تاک" فیلمبرداری کرد. کارمن در "جاده زندگی" روی دریاچه "لادوگا" از تانک‌ها و هواپیماها فیلم گرفت. او نبرد استالین‌گراد، محاصره مارشال پائولوس، بازداشتگاه "مائیدانک"، آزادی ورشو و مراسم امضای قرارداد تسلیم بدون قید و شرط ارتش آلمان را بر نوار فیلم ضبط کرد.

او که تجربه دو جنگ را نزد خود اندوخته بود، مفهوم خون و مرگ را می‌دانست اما ابعاد خشونت و جنایت این جنگ که به بشریت تحمیل شد از اندازه خارج بود. فیلم‌هایی که کارمن از مراحل گوناگون جنگ گرفته بود،



واحدهای داوطلب ارتش مردمی از فیلم مستند "جنگ گبیر میهنی" اثر کارمن



تسلیم شدن فیلد مارشال پائولوس افسر ارشد آلمانی از فیلم "نبرد استالین گراد"
"۱۹۴۳" اثر رومن گارمن



استقبال مردم: بازگشت سربازان پیروز از جبهه. فیلم مستند "جنگ کبیر"
میهنی "اثر گارمن"

بخش‌های مختلفی را شامل می‌تود: " عقب‌نشینی سپاه آلمان از مسکو"،
" استالین گراد"، " نبرد اورل"، " مائیدانک"، " ار ویستولا تا اودر"،
" برلین" و بسیاری دیگر از فیلم‌هایی که مربوط به اخبار و گزارشات روزانه از
جنگ بود.

" نبرد لنین‌گراد"، نمایشگر مقاومت، سرسختی و از جان گذشتگی مدافعین
این شهر است. این فیلم برای همیشه روح شکست‌ناپذیر و تسلیم‌نشدنی شهروندانی
که برای حفظ آب و خاک اجدادی از جان خود گذشتند، تصویر کرده است.
صحنه‌های ایثار، فداکاری، جانباری و فهرمانی اهالی لنین‌گراد بعنوان درآمدی
کوبنده در ابتدای فیلم نشان داده می‌شود و سپس بدنبال آن صحنه‌هایی از
محاکمه سران جنایتکار نازی در دادگاه نورنبرگ می‌آید.

" قضاوت مردم" بخش دیگری از این فیلم است که کارمن طی آن جنایات
پنهانی و ناشیده نازی‌ها را نشان می‌دهد - دهها هزار قربانی نازسم که بی
سر و صدا سر به بیست شدند و پس از آن اثری از این جنایت هولناک در دست
نبود. روند طولانی جنگ و کار عظیم سربازان ضد نازی در فیلم " جنگ کسر
میهنی" انعکاس یافته است. این فیلم به همه قربانیان و شهدائی که با ابتار
جان خود پیروزی بر هیولای فاشیسم را ممکن کردند، تقدیم شده است. در
پایان، چهره امیدوار سربازان، دهقانان، افسران، کودکان و کارگران نشان
داده می‌شود.

۸- "نفتگران دریای خزر" (۱۹۵۳)

"فاتحان دریا" (۱۹۵۹)

مردان با دریای سرکش دست و پنجه نرم می‌کنند، آنها بر ستون‌هایی که در بستر دریا محکم شده، تهری اعجاب‌انگیز می‌سازند. نفتگران درگیر و دار نبردی سرنوشت‌ساز با شعله‌های آتش، آتشفشان، فواره‌های مشتعل گاز و جهش‌های فواره‌گون گاز از بستر دریا هستند.

آنها زندگی، کار، استراحت و مطالعه می‌کنند، می‌خندند و غصه می‌خورند..... و درگیر و دار مبارزه خود برای نفت جان می‌بازند. دریا، جان یکی از بهترین نفتگران، میخائیل کاوروچکین را گرفت. شانه به شانه این نفتگران، در تلاشی خستگی‌ناپذیر، کارمن و گروهش مشغول فعالیت است هستند.

مضمون فیلم، تلاش همه جانبه نفتگران برای رسیدن به نفت است - نفتی که برای آنها اهمیت حیاتی دارد. از چنین دیدگاه پیچیده‌ای، شخصیت‌های جالب توجه، قهرمانان کار، بصورت قهرمان فیلم در می‌آیند. این فیلم، قالب مطلوبی است برای یک مضمون کارگری. از این روی، در میان همه آثار کارمن و بطور کلی سیمای مستند شوروی کاری است استثنائی، الکساندر فادایف نویسنده برجسته درباره فیلم "نفتگران دریای خزر" چنین گفته است:

"من هرگز آن فصل تکاندهنده فیلم را که جریان نفت از زیر بهتر دریا به سطح آب جهش می‌کند نمی‌توانم فراموش کنم. نفتگران کار گشته، دستهای خود را در نفت می‌شویند و با شادی بی‌اندازهای که نتیجه پیروزی بردریاست، نفت سیاه را به سر و روی هم می‌مالند و آنگاه با صفا و صمیمیت،

یکدیگر را در آغوش می‌گیرند. چه کسی بهتر از این می‌تواند شخصیت‌هایی که چنین از جان خود می‌گذرند تا به طلای سیاه دست یابند، تصویر کند؟ مهارت و تلاش این کارگران برای دستیابی به نفت، از این ماده، یک مضمون شاعرانه برای فیلم ساخته است. واقعا " چگونه یک نویسنده می‌تواند در داستان خود به چنین نیرو و ابتکاری دست یابد؟ کارمن به ما نویسندگان این ابتکار را به زبان تصویر آموخته است."

آثار کارمن در این دوران، اوج سینمای مستند (دهه ۱۹۴۰) به شمار می‌آید. سنت‌هایی که او در این زمینه از سینمای پیریزی کرد، پیش از آن هرگز سابقه نداشت. فیلم‌های این دوره از فعالیت کارمن، نمونه‌های برجسته‌ای از نمایشی حقیقت‌عریان، انسان‌دوستی ژرف و هیجانات رعب‌آور است.



نمایی از فیلم " نفتگران دریای خزر" (۱۹۵۳) اثر کارمن

۹-نبرد ویتنام (۱۹۵۵)

کارمن، پیش از آنکه ایالات متحده آمریکا در ویتنام دخالت کند، نوشته‌هایی درباره این کشور به رشته تحریر کشیده بود. این یادداشت‌ها، هشت سال پس از مبارزه مردم ویتنام علیه استعمارگران فرانسوی نوشته شده است. او می‌نویسد:



اسرای جنگی فرانسوی در نبرد دین‌بین‌فو، نمایی از فیلم "ویتنام" (۱۹۵۵) اثر کارمن

"آبهای مکنون و رودخانه برایت با خون جنگجویان دلاور ویتنامی رنگین بود. جنگل‌های ویتنام، عرصه یک مبارزه خشن بود، شهرها به‌ویرانه تبدیل شده بودند...". کارمن و گروه فیلمبرداری او، نخستین کسانی بودند که از سرزمین شوروی به خاک ویتنام قدم گذاشتند - با این هدف که این کشور زیبا را نشان دهند، فرزندان قهرمانش، زندگی، تاریخ و مبارزه‌اش که در مقیاس کیلومترها در جنگل‌ها و مزارع گسترده بود، به مردم جهان معرفی کنند. در این فیلم، زندگی فی‌البداهه میلیون‌ها نفر انسان زحمتکش، در اعماق مناطق استوایی، تصویر شده است - مردم زحمتکشی که یکپارچه بصورت گردانهای رزمی و گردانهای کار در نبرد رهایی بخش در کنار ارتش ویتنام و چریک‌های مبارز آن شرکت داشتند.

در اوج نبرد، ما شاهد پیروزی شکوهمند میهن دوستان ویتنامی در پای دیوار "دین بین‌فو" هستیم. چشم‌اندازهای سرزمین ویتنام در این فیلم بسیار



(ویتنام) رومن کارمن (بالای داربست) از سربازان هوشی‌مین فیلم می‌گیرد.



دو نما از فیلم "ویتنام" (۱۹۵۵) ساخته رومن گارمن



رومن کارمن درباره طرز کار دوربین به هوشی مین توضیح می دهد ، "ویتنام"
(۱۹۵۴)

زیبا و جذاب تصویر شده است . این سرزمین ، دنیائی از زیبائی و رزمندگان
دلاور و بی باک است . در میان این رزمندگان ، تصویر درشت چهره محبوب
" هوشی مین " دیده می شود .

کارمن در این فیلم ، با یک ژنرال فرانسوی که به اسارت مبارزان ویتنامی
درآمده است ، مصاحبه می کند . او از رژه پیروزی ارتش ویتنام در " هانوی "
فیلم گرفته است . " ویتنام " نخستین فیلم شوروی درباره مردمی است که برای
آزادی خود از زیر یوغ اسارت استعمارگران به نبرد برخاستند .

۱۰- درهندوستان^۱ صبح هندوستان^۲ (۱۹۵۵)

هندوستان : سرزمینی که نامش در افسانه‌های شرقی به دفعات آمده است — سرزمینی افسانه‌ای، مغرور، اسرارآمیز، جادویی، با فرهنگ و معنویات بسیار پیچیده و چهارصد میلیون جمعیت، سرزمینی که سال‌ها در زنجیر اسارت استعمارگران بریتانیایی بسر برده است. سرزمین مهربانی و زحمتکشان صمیمی، صنعتگران و هنرمندان چیره دست. سرزمین گاندی و نهرو. کشوری با ثروت‌های افسانه‌ای اما فقری نفرت‌آور. سرزمین تضادهای اجتماعی حاد، اما با نیروئی بی پایان که با اراده و اعتقادی راسخ نسبت به فردا، بسوی آینده‌ای روشن پیش می‌رود. این است هندوستانی که ما در فیلم کارمن می‌بینیم — فیلمی که در عین حال از جنبه‌های شاعرانه و عاطفی نیرومندی برخوردار است. تعاشقان از این فیلم کارمن استقبال زیادی کردند و انتشارات "دنگیز" هند، کتاب "درهندوستان" نوشته این فیلمساز نام‌آور را چاپ کرد.

۱۱- انقلاب کوبا

"جزیره‌ای در آتش" (۱۹۶۱)

عبارات زیر، برگزیده‌ای است از یادداشت‌های کارمن :

" می‌خواهم عازم کوبا شوم. در حال حاضر با همکاری گنریخ بوروویک روی فیلمنامه " جزیره‌ای در آتش " کار می‌کنم که فیلمبرداری بنام و. کیسلف آن را فیلمبرداری خواهد کرد. من به موفقیت این فیلم بسیار امیدوارم. عشق و علاقه زیادی پشت این کار وجود دارد. . . . "

پیش‌بینی کارمن به واقعیت پیوست و تماشاگران شوروی و در ورای مرزهای



رومن کارمن و فیدل کاسترو، کوبا ۱۹۶۱

آن با شور و اشتیاق بی‌اندازه به تماشای این فیلم برحرارت، گیرا و زرف‌گاو نشستند - فیلم کوبائی رومن کارمن.

قهرمانان این فیلم، دلباختگان آزادی، انسانهای بی‌باک، شجاع و مهربان هستند. آنها با فداکاری، جسارت و سرسختی مبارزه می‌کنند لیکن روحیهای جوانمرد و نجیب دارند. آنها آنچنان راحت جلوی دوربین حرکت می‌کنند که گویا دوربینی درکار نیست، فیلمی نیست و کارمنی نیز وجود ندارد. لیکن کارمن در هر نمائی از فیلم حضور دارد. این فیلم داسنای برگشتش طرحی گیرا و هیجان‌آور دارد که در دست هنرمندی پرشور و اندیشمند شکل گرفته است. سرودهای انقلابی، پویائی و تحرک انقلاب، تصاویر انقلاب، جنس پیداست که سبک خلاقه کارمن در این فیلم با غوطه‌خوردن در طوفانهای آتش و برخورد صمیمانه‌اش با "باربادوس"هایی مثل چه‌گوارا و فیدل کاسترو به اوج خود رسیده است.

این اثر کارمن، بیانیه‌ای است پرشور که از عشق و سنایش بی‌پایان‌اش ار "جزیره آزادی" حکایت می‌کند. و این جزیره، الهام‌بخش گزارشات پرسور و خلاقه بعدی او از مبارزات و زندگی مردم کوبا و قاره امریکای لاتین شد. از اینجا بود که هسته اولیه فیلم‌های: "قاره مشتعل"، "شیلی"، "کامارادس" (رفقا) و "قلب کوروآلان" شکل گرفت. با این حال، مضمون کوبائی، با فیلم "جزیره‌ای در آتش" پایان نمی‌پذیرد.

نخستین نمایش این فیلم در مسکو، همزمان بود با شکست مزدوران امریکائی در حمله به کوبا (واقعه خلیج خوک‌ها). پس از آن، فیلم به کوبا برده شد و در هاوانا به نمایش عمومی درآمد.

کارمن چندی بعد به کوبا بازگشت تا فیلمی درباره آموزگاران جوانی که مشعل دانش را به روستاها و به میان جوامع کوه‌نشین می‌بردند بسازد. این طرح سوادآموزی، "نور آبی" نام داشت و کارمن نیز برای فیلم خود همین عنوان را برگزید.

✽ در زبان اسپانیائی به معنای ریشواست - مترجم.

فیلم بعدی کارمن ، " مهمانی از جزیره آزادی " نام دارد که به مناسبت دیدار فیدل کاسترو از شوروی ساخته شده است . یکی دیگر از آثار کارمن در زمینه مضامین کوبائی فیلمی است بنام " وقتی که دنیا در لبه تیغ قرار داشت " که مربوط به تهدید اتمی کوبا از سوی ایالات متحده امریکا و پاسخ متقابلی است که شوروی مبنی بر پشتیبانی از کوبای انقلابی به امریکا می دهد .

شاید خاطره انگیزترین و بیادماندنی ترین فیلم های کارمن ، آثاری است که او براساس مضامین کوبائی و اسپانیائی در قاره امریکای لاتین ساخته است .

۱۲- برلین (۱۹۶۸)

این فیلم پرکشش، آمیختهای است از درام و تصاویر مستند گیرا که به مناسبت تأسیس جمهوری دمکراتیک آلمان ساخته شده است: برلین را می بینیم که در حال تدارک یک برنامه عظیم ساختمانی است. انجمن معماران در حال بررسی نقشه شهرها هستند. دیگر نه تنها سیمای ظاهری شهر تغییر یافته بلکه در زندگی شهروندان نیز دگرگونی های ژرفی حاصل شده است.

کارمن با این تصاویر (که بوسیله فیلمبرداری آبرام کریچفسکی برداشته شده) به سئوالی که موج نئوفاشیست های آلمان غربی آن را پیش کشیده اند، پاسخ می دهد: " چرا در یک آلمان نتیجه جنگ بعنوان شکست توصیف می شود و در آلمان دیگر، پیروزی بر فاشیسم؟"

کارمن طی فیلم خود برلین غربی را شهر " آوازه های قدیمی " که تاریخ آن را نفرین و محکوم کرده بررسی می کند، در حالیکه برلین شرقی، تجسمی است از سرشت روح و زندگی نوین. کارمن هنگام برگزاری مراسم یادبود قهرمانان بریگاد بین الطلی در برلین چنین گفت:

" سنگرهای نبرد بزرگ ضد فاشیستی، از خاک اسپانیا به اینجا منتقل شده است."

از این روی، فصل یادبود قهرمانان ضد فاشیست، بخش نیرومندی را از فیلم تشکیل می دهد. نبردی که از اسپانیا آغاز شده بود و به صورت نبردی عظیم تر در خاک آلمان جلوه گر شد - نبردی پیچیده که در فیلم " برلین " تصویر شده است. در پایان فیلم، تصاویری شاد و زیبا از کودکان برلین نوین را می بینیم که زیر پرتو درخشان آفتاب، تصویر خانه های مورد علاقه خود را رنگ آمیزی می کنند.

۱۳- جنبش انقلابی شیلی

”شیلی: عصر مبارزه- عصر هیجان“ (۱۹۷۳)

”کاماراداس“ (۱۹۷۴)

امریکای لاتین از وزش طوفان سهمگین انقلاب در تلاطم و دگرگونی است. جنبش‌های رهائی بخش مردمی، کشورهای نیمه‌مستعمره و کشورهایی که استقلالشان در گرو رهائی از انحصارات بیگانه است، به لرزه درآمده، شالوده‌های زندگی کهنه در این کشورها، در حال ویرانی است. لیکن شالوده‌های نوین، زندگی میلیون‌ها نفر از مردم زحمتکش قاره‌ای با ثروت‌های افسانه‌ای را تعیین می‌کند - همه این مسایل به شیوهای شاعرانه و هیجان‌آور در فیلم سه بخشی (تریلوژی) کارمن به تصویر شده‌اند. او در فیلم خود به بررسی مسایل زیر پرداخته‌است:

تضادهای حاد در زمینه نابرابری‌های اجتماعی، گرسنگی، رنج و محنت، کار طاقت‌فرسا و فقر تحمل‌ناپذیر از یک‌سو و از سوی دیگر سودهای کلان، تجمل پرستی‌های بی‌حساب، دوران‌هایی از مبارزات عظیم تاریخی، اعتصابات، شورش‌ها و اعتراضات، گسترش انقلاب در آینده نزدیک که هر دم به نیروی سهمگین و کوبنده آن افزوده می‌شود - تصاویری از بیداری مردم این قاره در فصل‌هایی از فیلم که در پاناما، شیلی، پرو و ونزوئلا فیلمبرداری شده به‌نمایش در می‌آید.

در این میان چهره رهبران جنبش‌های انقلابی مردم و مبارزانی چون کاسترو، لوئیس رگابارن، رودولفو گوئیبولدی، رودنی آریزمندی، خورخه گوله، لوئیس کارلو پرستس، لوئیس کوروآلان در اثر سه بخشی کارمن تصویر شده است. ما در عصر فاجعه شیلی به سر می‌بریم: مرگ انسانهای شریف و نوع



نمایی از فیلم "شیلی، عصر مبارزه، عصر هیجان" اثر گارمن، بخش مربوط به صنایع مس از سریال مستند سیزده قسمتی گارمن که "امریکای لاتین: قاره‌ای در آتش" نام دارد.



تانک‌های شورشی در خیابان‌های سانتیاگو برای محاصره کاخ ریاست جمهوری آلنده و سرکوب مردم. از فیلم مستند "شیلی، عصر مبارزه" - اثر گارمن



سالوادور آلنده در تماشای مستندی از فیلم "شیلی، عصر مبارزه"، اثر رومن کارمن



نمای مستندی از فیلم "شیلی، عصر مبارزه" - استادیوم ملی که پس از کودتا
به صورت یازداشگاه درآمد.

دوستی چون سالوادور آلنده، پابلونرودا و قتل وحشیانه ویکتورخارا.....
 فاشیسم، واکنش ارتجاع و جنایات بی شمار ستمگرانی که مردم امریکای لاتین را
 سرکوب کردند.

همچنان ندای " مردم متحد شوید! " بر سراسر قاره طنین انداز است؛
 وقتی که مردم یک کشور متحد شدند، دیگر شکست آنها امکان ناپذیر است.
 امواج سهمگین و طوفانی، صخره‌های سیاه ساحل قاره امریکای لاتین را می‌کوبد.
 لیکن نبرد انقلابی همچنان ادامه دارد و هیچ صخره‌ای را نمی‌توان یافت که
 در برابر امواج طوفانی انقلاب مردم بتواند پایداری کند.



نمای مستندی از فیلم "شیلی، عصر مبارزه"، اثر گارمن. جسد آلنده در پتوئی
 که دهقانان فقیر شیلی روی دوش می‌اندازند پیچیده شده است.

۱۴- قلب کوروالان (۱۹۷۵)

در نخستین فصل فیلم، مالوئیس آلبرتو کوروالان، پسر بیست و هشت ساله، لوئی کوروالان، انقلابی بزرگ شیلی، را می بینیم که به تازگی از زندان فاشیست ها و از زیر شکنجه دژخیمان "خوانتا"ی پینوشه فرار کرده است. فیلمسارانی که او در حال ادای توضیحاتی درباره پدرش، خانواده اش و جنبش انقلابی شیلی فیلمبرداری می کنند به زودی شاهد مرگ زودرس این جوان خواهند بود. ماحصل لوئیس کوروالان، انسانی رئوف که تجسم یک درام انسانی غم انگیز است، شهامت و مقاومت کم نظیر او، روحیه پولادین مبارز و انقلابی اش، مضمون اصلی این فیلم مستند و هنرمندانه کارمن را تشکیل می دهد.

تماشاگران که در مبارزه اجتماعی شرکت می کنند، شاهد صحنه های واقعی، تکان دهنده و اعجاب انگیزی هستند که در پارهای از آنها همزمان و همکاران لوئیس کوروالان درباره او توضیحاتی می دهند.

ما کوروالان را در یک سیاه چال می بینیم. او هزارروز در زندان و بازداشتگاه مقاومت کرده است. سرسختی و مقاومت او، درسی آموزنده برای زندانیان بازداشتگاه "ریتوک" شده است.

پایان فیلم: ساحل دریا، مرغان دریائی در پروازند و دو نفر روی شن ها ایستاده اند - یک کودک و یک جوان. این دو، آلبرتو کوروالان و فرزند دوساله اش "دیه گو" است. هم چنانکه در ساحل قدم می زنند، یک ترانه غم انگیز نیلیانی شنیده می شود و سخنان غرور آفرین کوروالان بر ساحل و زمینه دریا، بر فراز

امواج سهمگین و زیر آسمان صاف و آبی ، طنین می‌افکند. این عبارات در زندان خوانتای پینوشه نوشته شده است :

" آلبرتوی عزیز! امروز " دیه‌گوی " کوچولوی تو به سنی رسیده که مقارن با ایامی است که ما مورد اذیت ، شکنجه و آزار قرار گرفتیم و مرا به زندانی واقع در بازداشتگاه " پیساگوا " انداختند. این دوره ، مدتهاست که سپری شده. این شب تیره و تار نیز سپری خواهد گشت و کودک تو در جامعای نو که برای همه کس سعادت و خوشبختی به ارمغان می‌آورد ، بزرگ خواهد شد ."

فیلم " کوروآلان " جایزه جشنواره سراسری فیلم‌های شوروی ، جشنواره " اوبرهزن " و " تامپر " را دریافت کرده است .

۱۵- برگزیده‌ای از نوشته‌های رومن کارمن

"..... گزارشات مصور در زندگینامه هنری من در حقیقت عامل مهمی بود. من از عکاسی و جنبه خلاقه آن بهره زیادی بردم. روی ترکیب‌بندی تصویری هر نما که درجه سایه - روشن در آن بسیار بالا بود، کارکردم. تلاش من روی این جنبه متمرکز بود که به‌حداکثر ایجاز در بیان تصویری برسم....." (از کتاب خاطرات)

"..... هنرنامهای که به کاخ کنگره وارد می‌شود به شیوه خاص خودش به هیجان می‌آید. هر کسی برداشت‌ها، اندیشه‌ها و خاطرات ویژه خود را دارد. من نیز به اندازه کافی با انگیزه‌ها و هیجاناتی روبرو بودم که به خودم چیزهایی بگویم. نورافکن‌ها و دوربین‌ها که بسوی نماینده کنگره نشانه رفته بودند، من را احاطه کرده بودند..... اما من این بار بدون دوربین هستم، زیرا نماینده کنگره‌ام. این در حلقه اول اندیشه‌هایی را در ذهن من بیدار می‌کند. آری، امروز دوربینی ندارم. اما تمامی جوکنگره نمایان‌گر مردمی است که شخصیت‌های اصلی فیلم‌هایم بوده‌اند و این مرا وامیدارد که نگاهی به گذشته و به مسیری که وطنم تا اینجا پیموده، بیافکنم.....".

(از کتاب یادداشت‌های یک نماینده مردم)

"..... طی چهاردهه که در نبردهای بسیاری شرکت کردم و از نزدیک شاهد آن بودم"، عشق به اسپانیا در قلم زنده بود. دوستان زیادی را از دست دادم که در شادی پیروزی و غم شکست با آنها شریک بودم. این چهار دهه، نبرد مسکو و استالین‌گراد، شکست "لشکر آبی" در کوههای از برف پوشیده "استرایاروسا"، شادی بی‌پایان از انقلاب کوبا، بهار ۱۹۴۵ در برلین و جنگل‌های ویتنام را در برمی‌گیرد. چهل سال به معنی "افسانه" نفتگران دریای خزر" و "قلب کوروالان" است.....".

(از کتاب "هتل فلوریدا")

"..... همواره سینمای مستقیم را سینما - حقیقت معرفی کرده‌اند، در صورتی که همیشه این طور نیست. موضع‌گیری یک مستندساز، شرایط وی، در میان پدیده‌های زندگی بطور اجتناب‌ناپذیری او را به جایی رهنمون می‌شود که بطور اختیاری آنچه را برای بیان مقصود خود مطلوب می‌بیند، برمی‌گزیند، آن را در "میدان دید عدسی" دوربین‌اش قرار می‌دهد و فیلمبرداری می‌کند. سینمای مستند و فیلم گزارشی نمی‌تواند کمکی "بطور مستقیم" به مبلغان سیاسی در زمینه هنر بکند. با این حال، گرایشات و شیوه‌های ایدئولوژیک پایه‌های سینمای مستند را تشکیل می‌دهند.....".

(از مصاحبه با یک نشریه فرانسوی)

۱۶- دیدگاه‌هایی دربارهٔ رومن کارمن

از فیدل کاسترو به رومن کارمن :

"... به نام مردم کوبا از احساسات صمیمانه ، دوستانه و ژرف تو نسبت به ما و از احساساتی که همواره در فیلم‌هایت نسبت به همهٔ خلق‌هایی که درگیر و دار مبارزه برای کسب آزادی و رسیدن به عدالت هستند نشان داده‌ای ، سپاسگزارم"

از سالوادور آلنده به رومن کارمن :

" به دوستم رومن کارمن ، فیلمسازی که جهان او را دوست دارد و برایش احترام زیادی قائل است ، کسی که هنرش در هر جا که مردم برای آزادی مبارزه کرده‌اند ، وجود داشته است"

از لوئیس کوروالان به رومن کارمن :

"... تو هنر و عواطف را که هنر و عواطف یک فیلمساز عالیقدر است به خدمت تقویت روح مقاومت و پایداری در میان خلق‌ها بکار گرفت‌ای . این یکی از خدمات ارزنده و بزرگ توست که خلق شیلی ، و من شما هرگز آن را فراموش نخواهیم کرد"

از " دولورس ایباروری " به رومن کارمن :

"..... درود بر تو، درود بر تو و هنر مبارزت که بعنوان خبرنگار و فیلمبردار جنگی، مبارزهٔ قهرمانانهٔ پیکارگران شجاع ما را و مردم ما را بر علیه فاشیسم ستمگر برای رسیدن به دموکراسی و صلح، نشان دادی. درود فراوان بر تو به خاطر خدماتی که طی این سالها برای مردم اسپانیا انجام دادی. همهٔ ما از تو سپاسگزاریم. ما امیدواریم یکبار دیگر به اسپانیائی که آزاد خواهد شد بیائی و فیلمی دربارهٔ آزادیخواهان و قهرمانانی که به زندان افتادند و در مقابل جوخهٔ آتش ایستادند بسازی. آنها که شهید شدند مرگ افتخارآفرین را بر زندگی در خفقان و نظام ستمگر ترجیح دادند زیرا می دانستند که با جانبازی خود طلوع آزادی و عدالت در اسپانیای نوین برخواهد دمید. این فیلم تو نشانه‌ای از احترام به همهٔ این جانبازان راه آزادی و رهائی اسپانیا خواهد بود".

از " سافونونگ " به * رومن کارمن :

"..... تو نخستین شهروند شوروی بودی که من در روزهای مبارزهٔ خلقمان برای دموکراسی و استقلال پاتت لائو، ملاقات کردم. ما به یکدیگر برای تشریحی بیادماندنی از پیروزی خلق پاتت لائو یاری خواهیم رساند. من مطمئنم که این موضوع در هنر فیلم که شما بهترین نمایندهٔ آن هستید جلوه‌گر خواهد شد.

* سافونونگ، فرماندهٔ نیروهای وطن پرست لائوس (مترجم).

از "خوان خارا" به رومن کارمن :

" رومن کارمن عزیز! از این که تو به حال و هوای عاشقانه و پرخروشی که برخانواده ما حکمفرماست پرداختی ، خوشحالم . ویکتور انسانی بود که عشق را به مفهوم وسیع این کلمه می آفرید ، او به ما مفهوم روابط انسانی را آموخت . حال می دانم که فاشیسم چیست و بنابراین مبارزه ویکتور و دیگر شهروندان شیلی ادامه خواهد داشت . ویکتور به من نیرو داد تا این مبارزه را به پیش برم . میدانم که صدای او هرگز خاموش نمی شود ، می خواند و مبارزه می کند . مسیر سختی در پیش روی داریم ، اما احساس مقاومت و تشویق به پایداری از سوی انسانهایی چون تو به ما نیرو می دهد که راه خود را ادامه دهیم "

" ایوان پیریف " :

" رومن کارمن مستندساز و فیلمسازی است که این هنر تا مغز استخوانش نفوذ کرده است . آثار وی نشانگر تجربه اندوزی ها و تلاش او برای دستیابی به جنبه های نوین هنر فیلمسازی است . کارمن مرد روزگار دیدهای است ، زندگی را می شناسد و می داند که چگونه آن را متفاوت ، مؤثر و جالب توجه نشان دهد . پس از تماشای هر فیلم مستندی از کارمن به انسان هیجان بی اندازهای دست می دهد ، احساسی که غرور هر شهروند شوروی را برمی انگیزد . در فیلم های کارمن ما شاهد حقایق کوبنده ، نوع دوستی و عواطف ژرف انسانی هستیم "

✻ خوان خارا برادر ویکتور خارا خواننده مردمی کشور شیلی که ترانه های انقلابی او در زمان حکومت اتحاد مردمی به رهبری سالوادور آلنده به شهرتی جهانی رسید . پس از کودتای نظامی سپتامبر ۱۹۷۳ ، ویکتور خارا در بازداشتگاه بدست عوامل ژنرال پینوشه ، دیکتاتور شیلی ، بطرز وحشیانه ای به قتل رسید (مترجم) .

✻✻ ایوان پیریف کارگردان مشهور شوروی و سازنده فیلم های " عروس ثروتمند " (۱۹۳۷) ، " راننده تراکتور " (۱۹۳۹) ، " خوک چران و چوپان " (۱۹۴۱) ، " افسانه سرزمین سیری " (۱۹۴۷) ، " قزاق های کوبان " و (مترجم) .

یک فشار شدید درونی، سادگی و تبلور معنوی، صحنه‌های تکاندهنده و شگفت‌انگیز از گفتگو با مجروحین. بمباران "چونگ کینگ" بطرز خیره‌کننده‌ای تصویر شده است. هم چنین پرداخت تصاویر مربوط به کارگران وزحمتکشان، عالی است. بیدرنگ و به‌مجرد مشاهده، تصویری از کارمن، تمامی آن با جزئیاتش در ذهن می‌نشیند. این حرکت درونی مضمون است. مثل طوفان بر دشمن می‌غرد، یک نیروی مقاومت‌ناپذیر. آثار او جلوه‌ای کم‌نظیر و آموزنده از آن چیزی است که یک نویسنده و فیلمبردار در جبهه، جنگ می‌بیند. این کتاب راهنمایی برای عمل است. این کشش و جذبه‌ای است از تجربه، ما در جنگ داخلی اسپانیا، فنلاند و.....".

(از نقدی که وسالد ویشنوفسکی بر کتاب
"یکسال در چین" اثر کارمن نوشته است).

"فام وانگ هوا"*

"..... پیش از اینکه عمو "هو" ما را ترک کند وصیت کرد که وقت کار از دوستان روسی خود یاد بگیرد. زمانی که ما در کشورمان به گروه فیلمبرداری رومن کارمن ملحق شدیم او نه تنها نکات برجسته کار را به ما متذکر می‌شد بلکه همه تجربیاتش را نیز در اختیارمان می‌گذاشت. گروه کارمن از اینکه دوربین و دیگر امکانات فنی خود را در اختیار ما بگذارد هیچ دریغی نداشت. بدین ترتیب فیلم "ویتنام" کارمن برای نخستین فیلمسازان ویتنامی حکم کلاس درس را داشت.....".

(از هفته نامه ادبیات ویتنام - شماره ۵۶۵)

* - فام وانگ هوا، فیلمساز ویتنامی (مترجم).

۱۷- فیلموگرافی و کتابهای

رومن کارمن

الف - فیلم ها :

- ۱- یک سلسله فیلم های نمونه از تعاونی کردن مزارع (۱۹۲۹)
فیلم خبری از سری "سوو کینوزورنال" (مجله سینمائی شوروی) ،
"سوو کینوهرونیکا" .
فیلمبردار : ر. کارمن
- ۲- "آشپزخانه - کارخانه" (۱۹۳۰)
محصول استودیوی "کیف"
کارگردان و فیلمبردار : رومن کارمن ، م. سلوتسکی و آ. سامسونوف
- ۳- "در دور دست ، در آسیا" (۱۹۳۱)
محصول استودیوی وستوک کینو
کارگردان : و. پروفویچ
فیلمبردار اول : گ. بلوم
فیلمبردار دوم : ر. کارمن

- ۴- "مسکو" (۱۹۳۲)
محصول استودیوی فیلم‌های خبری مسکو
کارگردان: ر. گیکوف، ی. پوسه‌لسکی
فیلمبردار: ر. کارمن
- ۵- "تاء سیس کارخانه ذوب فلز کوسوگورسک" (۱۹۳۲)
(یک بخش از فیلم‌های نمونه در "سوو کینوزورنال")
فیلمبردار: ر. کارمن
- ۶- "مسکو - قره‌قوم - مسکو" (۱۹۳۳)
محصول استودیوی فیلم‌های خبری مسکو
تصویر برداران: آ. تیسه، ر. کارمن و م. گوموروف
- ۷- "ایوان گودوف" (۱۹۳۳)
محصول استودیوی فیلم‌های خبری مسکو
ساخته: ر. کارمن
- ۸- "بازگشت چلو سکنیتس" (۱۹۳۳)
محصول استودیوی فیلم‌های خبری مسکو
کارگردان: ی. ونژر، ی. پوسه‌لسکی و م. ترویانوفسکی
فیلمبردار: ر. کارمن
- ۹- "روبینسون سیاهپوست، نماینده شورای مسکو" (۱۹۳۳)
محصول استودیوی فیلم‌های خبری مسکو
ساخته: ر. کارمن
- ۱۰- "در خانه" (۱۹۳۴)
محصول استودیوی فیلم‌های خبری مسکو
کارگردان - فیلمبردار: رومن کارمن
- ۱۱- "گزارش آناما سانووا" (۱۹۳۴)
محصول استودیوی فیلم‌های خبری مسکو
کارگردان - فیلمبردار: ر. کارمن

۱۲- "اودسا" (۱۹۳۵)

محصول استودیوی فیلم‌های خبری مسکو
فیلمبردار: کارگردان: ر. کارمن و م. سلوتسکی

۱۳- "۱۵ سال از تاریخ گرجستان شوروی" (۱۹۳۶)

محصول استودیوی فیلم‌های خبری مسکو
کارگردان: فیلمبردار: ر. کارمن

۱۴- "مسکو - قره‌قوم - پامیر - مسکو" (۱۹۳۶)

(یک سلسله از فیلم‌های نمونه، خبری)
محصول استودیوی فیلم‌های خبری مسکو
فیلمبردار: ر. کارمن

۱۵- "حوادث اسپانیا" (۳۷-۱۹۳۶)

محصول استودیوی فیلم‌های خبری مسکو
فیلمبردار: ر. کارمن و ب. ماکاسیف

۱۶- "اسپانیا" (۱۹۳۹)

محصول استودیوی موسفیلم

کارگردان: ا. شوب

فیلمنامه و گفتار: و. ویشنفسکی
فیلمبردار:

فیلمنامه و گفتار: و. ویشنفسکی

فیلمبردار: ر. کارمن و ب. ماکاسیف

۱۷- "نبرد چین" (۳۹-۱۹۳۸)

(یک سلسله فیلم خبری)

محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های خبری
فیلمبردار: ر. کارمن

۱۸- "مردان سدوف" (۱۹۴۰)

محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های خبری
فیلمبردار و کارگردان: ر. کارمن
دیگر فیلمبرداران گروه: و. استاتلند و ر. خالوشاکوف

۱۹- "روزی از دنیای نو" (۱۹۴۰)

محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های خبری
فیلمنامه: ب. یاک‌لینگ و م. زتلین
کارگردان: رومن کارمن و م. سولتسکی

۲۰- "در چین" (۱۹۴۱)

محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های خبری
فیلمبردار و کارگردان: ر. کارمن
گفتار فیلم: ر. کارمن

۲۱- "خاطرات جنگ" (۱۹۴۱)

(یک سلسله فیلم‌های نمونه خبری)

۲۲- "شکست ارتش آلمان در مسکو" (۱۹۴۲)

محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های خبری
رومن کارمن: عضو گروه فیلمبرداران

۲۳- "نبرد لنین‌گراد" (۱۹۴۲)

محصول استودیوی فیلم‌های خبری لنین‌گراد
طرح و تدوین فیلم: ر. کارمن، و. سولووتسف،
ن. کومارووتسف و ی. اوچیتل
فیلمبردار: ر. کارمن و دیگران

۲۴- "استالین‌گراد" (۱۹۴۳)

محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های خبری
رومن کارمن: یکی از فیلمبرداران

۲۵- "نبرد اول" (۱۹۴۳)

محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های خبری
رومن کارمن: یکی از فیلمبرداران

۲۶- "مائیدانک" (۱۹۴۴)

محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های مستند
رومن کارمن: یکی از فیلمبرداران

۲۷- "از ویستولا تا اورل" (۱۹۴۵)

محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های مستند
رومن کارمن: یکی از فیلمبرداران

۲۸- "برلین" (۱۹۴۵)

محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های مستند
رومن کارمن: یکی از فیلمبرداران

۲۹- "آلبانی" (۱۹۴۵)

محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های مستند
کارگردان - فیلمبردار: ر. کارمن

۳۰- "قضاوت خلق‌ها" (۴۶ - ۱۹۴۵)

محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های مستند
فیلمنامه نویس، کارگردان و فیلمبردار: ر. کارمن
کارگردان عمده: ی. س. سویلووا*

فیلمبرداران دیگر: و. استاتلند، ب. ماکاسیف، س. سامسونوف
گفتار فیلم: ب. گورباتوف

۳۱- "قزاقستان شوروی" (۱۹۴۹)

محصول استودیوی آلماتا - قزاقستان
فیلمنامه: ر. کارمن، گ. موسریوف، ب. شوموف

* اپلیزا سویلووا - ورتوف، همسر و دستیار زیگاورتوف مستندساز برجسته روسی
(مترجم)

- کارگردان: ر. کارمن
فیلمبردار: ر. کارمن، م. آرانیشف، آ. زنیاکین
- ۳۲- "ترکمنستان شوروی" (۱۹۵۰)
محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های مستند
فیلمنامه: ب. کربابایف، ر. کارمن
کارگردان: ر. کارمن
فیلمبردار: ر. کارمن، و. لائوروف، ز. فلدمن
- ۳۳- "گرجستان شوروی" (۱۹۵۱)
محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های مستند
فیلمنامه: س. دولیدره‌ور، ر. کارمن
فیلمبردار: ر. کارمن، ر. فلدمن، د. کاندلاکی
- ۳۴- "فاتحان دریا" (۱۹۵۹)
محصول استودیوی فیلم آذربایجان و استودیوی مرکزی فیلم‌های مستند
(یک فیلم مستند بلند)
فیلمنامه و گفتار فیلم: ر. کارمن، ی. قاسم‌اف
کارگردان: ر. کارمن
فیلمبردار: د. محمداف، س. مدینسکی
- ۳۵- "روزی از زندگی ما"
محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های مستند
فیلمنامه‌نویس و کارگردان: ر. کارمن
- ۳۶- "دوست ما اندونزی" (۱۹۶۰)
محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های مستند
کارگردان: ر. کارمن
فیلمبردار: ر. کارمن، آ. کولوشین، ن. ژنرالوف

۳۷- "جزیره‌ای در آتش" (۱۹۶۱)

محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های مستند

فیلمنامه: گ. بوروویک، ر. کارمن

کارگردان: ر. کارمن

فیلمبردار: و. کیسلف و ر. کارمن

۳۸- "نورآبی" (۱۹۶۱)

محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های مستند

فیلمنامه‌نویس و کارگردان: ر. کارمن

فیلمبردار: و. کیسلف و ر. کارمن

۳۹- "دولت - یعنی ما" (۱۹۶۲)

محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های مستند

فیلمنامه: ر. کارمن و و. گوروخوف

کارگردان: ر. کارمن

۴۰- "مهمانی از جزیره آزادی" (۱۹۶۳)

محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های مستند

فیلمنامه: ر. کارمن و گ. بوروویک

کارگردان: ر. کارمن

فیلمبردار: و. کیسلف، ر. کارمن و دیگران

۴۱- "وقتی که دنیا در لبه تیغ قرار داشت" (۱۹۶۳)

محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های مستند.

فیلمبردار - کارگردان و فیلمنامه‌نویس: ر. کارمن

۴۲- "پرتو جادویی" (۱۹۶۳)

محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های مستند

فیلمنامه: ر. کارمن و آ. نووگوردسکی

کارگردان: ر. کارمن

- ۴۳- "جنگ کبیر میهنی" (۱۹۶۵)
 محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های مستند
 فیلمنامه: س. اسمیرنوف و ر. کارمن
 کارگردان: ر. کارمن
- ۴۴- "گرانادا، گرانادای من" (۱۹۶۷)
 محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های مستند
 "سازندگان فیلم: ر. کارمن و ک. سیمونوف
 فیلمبردار: ر. کارمن و ب. ماکاسیف
 ساهای جدید از: آ. سارانتسف و و. زیترون
- ۴۵- "رفیق برلین" (۱۹۶۸)
 محصول استودیوی مرکزی فیلم‌های مستند
 فیلمنامه: گ. گورکوف و ر. کارمن
 کارگردان: ر. کارمن
 فیلمبردار: ر. کارمن و آ. کریچفسکی
- ۴۶- "قاره" مشتعل" (در دو قسمت) (۱۹۷۲)
 محصول استودیوی موسفیلم
 نویسنده، کارگردان و فیلمبردار: ر. کارمن
 فیلمبردار: آ. کوچتکوف
- ۴۷- "شیلی عصر مبارزه، عصر هیجان"
 محصول استودیوی موسفیلم
 نویسنده و کارگردان: ر. کارمن
 فیلمبردار: ر. کارمن و آ. کوچتکوف
- ۴۸- "گاماراداس" (رفقا) (۱۹۷۴)
 محصول استودیوی موسفیلم
 نویسنده، کارگردان و فیلمبردار: ر. کارمن

۴۹- "قلب کوروالان" (۱۹۷۵)

محصول استودیوی موسفيلم

نویسنده و کارگردان: ر. کارم

فیلمسردار: پ. شومسکی

ب- کتابها:

۱- سفینه فضائی (۱۹۳۰)

۲- یک سال در چین (۱۹۴۱)

۳- با اتومبیل در کویر (۱۹۵۴)

۴- در هندوستان (۱۹۵۶)

۵- نوری در جنگل (۱۹۵۶)

۶- نبرد ویتنام (۱۹۵۷)

۷- گزارشی از کشورهای سه قاره (۱۹۶۴)

۸- بوئن آونتورا - شهروند کوبائی (۱۹۶۶)

۹- عبور ممنوع! (۱۹۷۲)

۱۰- هتل فلوریدا (۱۹۷۶)

از همین مترجم :

- ۱- سینما و موسیقی براساس تئوری سرگئی آیزنشتین (تاءلیف)
- ۲- موج نو در سینمای شوروی (ترجمه)
- ۳- "رژنا و پوتمکین" (ترجمه)
- ۴- تاءثیر متقابل سینمای کلاسیک امریکا و شوروی (ترجمه)
- ۵- فیلمنامه "اکتبر" اثر آیزنشتین (ترجمه)
- ۶- سینمای جهان سوم - شیلی (ترجمه)
- ۷- سینمای جهان سوم - امریکای لاتین (ترجمه و اقتباس)
- ۸- فیلمنامه "زمین" اثر الکساندر دواوژنکو (ترجمه)
- ۹- زنان فیلم ساز شوروی (ترجمه)
- ۱۰- پژوهشی در تاریخ سینمای شوروی (ترجمه و تاءلیف)
- ۱۱- شوستاکوویچ: آهنگساز مردم (ترجمه)



در زمینه سینما منتشر می‌کند :

سینمای الجزایر

نویسنده: هلاسلان، کی‌هنه بل، علی موکی

ترجمه: احمد ضابطی جهرمی

..... پیش از جنگ رهائی‌بخش، نام و نشان یا سخنی از سینمای الجزایر در میان نبود. حداکثر چیزی که می‌توان گفت این است که فیلم‌هایی بی‌ربط با مسائل الجزایر و مردمش، در این سرزمین فیلمبرداری می‌شد.

خلق الجزایر درگیرودار مبارزه مسلحانه خود، می‌بایست وسایل هنری مبارزه را نیز در جبهه ایدئولوژیک دست‌وپا می‌کرد. امروزه همه بر اهمیت چنین جبهه‌ای تأکید دارند. از سوی دیگر نیز لازم بود که مردم واقعی را که هر روزه در شکل نظامی مبارزه دگرگون می‌شد، آگاهانه تجربه‌کنند. آبدیده کردن نیروها، و حفظ شور انقلابی مردم، وظیفه اصلی جبهه فرهنگی بود. سینما، بخاطر ویژگی‌هایش، وظیفه داشت که تمام و کمال نیروی خود را در خدمت مبارزه ایدئولوژیک درآورد.

..... فرم و محتوای سینمایی که درگیر مبارزه است، چه مفاهیمی را باید دربر داسه باشد؟

می‌دانیم که فیلم‌های دوره اول، اساساً بر نبرد رهائی‌بخش ملی متمرکز شده بودند. ما بر معیارهای حردم‌پورروائی این نوع سینما - که نمونها نتوانست نبرد خلق را به درسی نمایش دهد، بلکه گاه ناآنجا منحرف شد که فرمانان "مثبت" جدا از مردم را جایگزین آن کرد.

این امر، ما را وامی‌دارد که از فیلمسازان "سینمای نوین" سؤال کنیم :

۱- نقش نوده‌ها در تکامل و دگرگونی جامعه چیست؟

۲- آیا این تکامل باد شده، واقفاً به سود آنهاست

اساساً "فیلم‌های" سینمای نوین "چه چیزی برای گفتن دارند؟

"گایه دو سینما" اندیشه‌هایی درباره سینمای الجزایر

از "علی موکی"



در زمینه سینما منتشر می‌کند :

تئوری فیلم
نوشته دادلی اندرو
ترجمه مسعود مدنی

"تئوری فیلم" کتابی است برای آن‌ها که به هنر سینما با نگاهی جدی می‌نگرند. این کتاب ترکیبی از تاریخ و تئوری سینماست؛ و در حقیقت زمینه‌ای است برای آشنایی با نوشته‌های مهمترین و با نفوذترین تئوریستهای سینما - مانستربرگ، آرنه‌ایم، آیزنشتین، بالاش، کراکوتز، بازن، متیری و متز.

دادلی اندرو نویسنده کتاب که سرپرست بخش سینمایی دانشگاه ایواست، این نظریه پردازان را در برابر یکدیگر قرار می‌دهد تا با وجوه مشترک نظریاتشان به گفتگو برخیزند و بنیان اندیشه‌هایشان را آشکار کنند؛

"مسئله مهم این است که جنبش‌های سینمایی را در برابر یکدیگر قرار دهیم. زیرا در حقیقت جنبش‌های سینمایی در برخورد با یکدیگر شکل یافته‌اند"

در بخش‌های نخستین کتاب، شکل‌گرایی - باواقع‌گرایی در سینما مقایسه شده و سیر تحولی این دو نظریه را دنبال می‌شود. بخش‌هایی کتاب بررسی نظریات سینمایی معاصر فرانسه است - که همچنان در حال تحول است. نویسنده این نظریات سینمایی را در زمینه جنبش‌های وسیع‌تر روشنفکری از جمله روانشناسی گشتالت، شکل‌گرایی روسی و هستی‌گرایی مورد مطالعه قرار می‌دهد.

"جانانان وزنبام" در مجله سایت‌اندساید شماره تابستان ۱۹۷۷ درباره این

کتاب می‌نویسد.

امتیاز بزرگ این کتاب، در اینست که نویسنده سعی نمی‌کند در آن یک نگرش را به سود نگرشی دیگر محکوم کند. بلکه وی سعی می‌کند که زمینه را برای یک بحث قابل انعطاف و در عین حال منظم از توافقات و عدم توافقات که بطور یکسان رد مبنی شده‌اند، آماده کند.



در زمینه عکاسی منتشر می‌گردد:

جادوی تاریکخانه

نویسنده: اتولیتزل

ترجمه: سیمین صدقی

" این کتاب به قصد آن نوشته شده تا به عکاسان مشتاق غیر حرفه‌ای و یا حرفه‌ای شیوه‌های جدید بیان اندیشه‌هایشان را نشان بدهد... برای عکاس امکانه‌ای متعددی وجود دارد تا بتواند هنگام چاپ عکس، مفاهیم نو و گوناگونی را به آنچه که دوربینش ضبط کرده است، اضافه کند. تلاش در این زمینه درواقع استعداد های نهانی عکاس را به میدان مبارزه و عمل می‌کشد و او را به امکانات فنی گسترده عکاسی مسلط می‌کند - تسلطی که هیجان‌انگیز و لذت‌بخش است. آشنایی عکاس با شیوه‌های بیانی نو و به‌کارگیری شیوه‌های مذکور در عکاسی روزانه، عکاس را به روشی هنرمندانه و خلاق هدایت خواهد کرد: مشاهده، تحلیل، اجرا.

عکاس قبل از آنکه دکمه دوربینش را به‌کار بیندازد از خود خواهد پرسید: "چه چیزی مرا جلب کرده است؟ چرا این عکس را می‌گیرم؟"

"... طی سالها تدریس، به مشکلات فراوانی برخورد کردم، چه مشکلات خودم و چه مشکلات دانشجویان و از حل آنها برآمدم. در این راه هزاران حلقه فیلم مصرف شد. اکنون ما به تجربه‌هایی را که طی این سالها کسب کرده‌ام، با شما در میان بگذارم."

" اتولیتزل "

"من با دوربین ام سراسر جهان را زیر پا گذاشته‌ام: در اسپانیا و چین جنگیده‌ام، در میادین جنگ جهانی دوم مبارزه کرده‌ام و در ویتنام دوشادوش مردم آن دیار به نبرد برخاسته‌ام....."



"..... سینمای مستند و فیلم گزارشی نمی‌تواند "مستقیماً" کمکی به مبلغان سیاسی در زمینه هنر بکند، با این حال، گرایشات و شیوه‌های ایدئولوژیک، پایه‌های سینمای مستند را تشکیل می‌دهند."

"این یک قانون است: یک گزارشگر، یک فیلمبردار و یا عکاس خبری، نمی‌تواند در گذشته زندگی کند، او باید به سیرتکامل و فرآیندهای معاصر بنگرد و تمامی اندیشه‌اش بسوی آینده معطوف باشد."

"هر جا که نبردی، انقلابی در جریان است، مرا بفرستید، من باید آنجا باشم."
(رومن گارمن)